

بررسی و تحلیل عوامل مؤثر در رأی‌دهی قوم بلوچ به گفتمان اعتدال در انتخابات دوازدهم ریاست جمهوری^۱

دریافت: ۹۸/۴/۲

پذیرش: ۹۸/۵/۲۵

غلامرضا خواجه سروی^۲

سیدزکریا محمودی رجا^۳

چکیده

شناسایی متغیرهای تأثیرگذار بر رفتار سیاسی اقوام و اقلیت‌ها در فرآیند انتخابات از جمله مسائل مهم و کلیدی است که مورد اقبال اغلب نظام‌های سیاسی فعلی قرار گرفته است. مسئله پژوهش، تجزیه و تحلیل عوامل مؤثر در رأی‌دهی قوم بلوچ به گفتمان اعتدال در انتخابات دوازدهم ریاست جمهوری است. پژوهش حاضر از نظر جهت‌گیری، کاربردی و نوع پژوهش توصیفی است و از روش پیمایش استفاده شده است. جامعه آماری، شهروندان قوم بلوچ در استان سیستان و بلوچستان است که به صورت تصادفی ساده ۳۰۸ نفر به عنوان نمونه آماری انتخاب شدند. داده‌های مورد نیاز با استفاده از پرسشنامه جمع‌آوری شد. پایایی و روایی ابزار پژوهش با استفاده از آزمون‌های ضریب بارهای عاملی، پایایی ترکیبی، آلفای کرونباخ، روایی همگرا و روایی واگرا اندازه‌گیری شدند، سپس پردازش کلی مدل پژوهش سنجیده شد. از آزمون T تک نمونه و فریدمن برای سنجش فرضیه‌های پژوهش استفاده شده است. داده‌های حاصل، با استفاده از نرم‌افزار smart-PLS و SPSS تجزیه و تحلیل شدند. یافته‌ها نشان می‌دهد عوامل حقوقی، ویژگی‌های شخصیتی نامزد، انتظارات انتخاباتی، اثرپذیری از نخبگان سیاسی و دینی، قرابت با ایدئولوژی‌های مذهبی اقلیت‌ها، روند تحولات جهانی و منطقه و روند شبکه‌های مجازی در رأی‌دهی قوم بلوچ به گفتمان اعتدال در انتخابات دوازدهم ریاست جمهوری بیشترین تأثیرات را داشته است و سوابق تاریخی نامزدهای انتخاباتی و مشروعیت

^۱. پژوهش حاضر برگرفته از رساله دکتری سید زکریا محمودی رجا است که با موضوع «مطالعه جامعه‌شناختی رفتار سیاسی اقوام و اقلیت‌ها در انتخابات ریاست جمهوری (مورد مطالعه بلوچ و ترکمن)» هم‌اکنون دانشگاه علامه طباطبائی در حال انجام است.

khajehsarvy@yahoo.com

^۲. استاد علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی، نویسنده مسئول.

s.z.mahmodi@gmail.com

^۳. دانشجوی دکتری علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی

نظام در رأی‌دهی قوم بلوچ تأثیری نداشت. همچنین یافته‌های حاصل از رتبه‌بندی نشان می‌دهد که به ترتیب، قرابت با ایدئولوژی‌های مذهبی اقلیت‌ها، اثرپذیری از نخبگان سیاسی و دینی اقلیت‌ها، شبکه‌های مجازی، انتظارات انتخاباتی، روند تحولات جهانی و منطقه، عوامل حقوقی، ویژگی شخصیتی نامزد و عوامل تاریخی بیشترین نقش را در مشارکت قوم بلوچ در رأی‌دهی به گفتمان اعتدال داشته است.

واژگان کلیدی: قوم بلوچ، انتخابات، گفتمان اعتدال، رقابت انتخاباتی، ریاست جمهوری دوازدهم.

مقدمه

امروزه فرآیند انتخابات باهدف نهادینگی و بسترسازی نظم پایدار سیاسی - اجتماعی مردم‌سالار، عقلانی سازی رفتار جمعی، ارتقای تکثرگرایی سیاسی و تنوع‌گرایی اجتماعی و ترغیب حس مسئولیت‌پذیری اجتماعی مورد اقبال همگان است (محمدی اصل، ۱۳۹۳: ۷). کم و کیف مشارکت قشرها و گروه‌های مختلف، یکی از مسائلی است که ذهن اغلب تحلیلگران و اندیشمندان را به خود مشغول کرده است. تحلیلگران و علمای علم سیاست مدرن از دهه ۱۹۵۰ به بعد در آمریکا و انگلستان، با نگاه‌های جامعه‌شناختی سیاسی، به‌جای تفسیر متون حقوقی و نهادی، رفتار سیاسی (انتخابات و رفتاری رأی‌دهی) را با توجه به کم و کیف مقوله‌های فرهنگ سیاسی، جامعه‌پذیری سیاسی، رقابت سیاسی، مشارکت سیاسی و... مطرح کردند (قوام، ۱۳۹۰: ۱۲۹). گروه‌های قومی با تکیه بر عناصر پیشینه فرهنگی و تاریخ مشترک نژادی، زبانی، تعصبات قومی و مذهبی، احساس هویت مشترک و متمایز بخشی برای خود در مقابل غیریت‌های موجود در سطح جامعه و نظام سیاسی قائل‌اند (گیدنز، ۱۳۷۳: ۲۶۰). این امر در سطح جامعه، نگرش، انگیزه و مطالبات خاصی برای آن‌ها ایجاد کرده است. بر همین اساس در جامعه‌شناسی سیاسی جدید، اغلب تحلیل‌گران و پژوهشگران در این موضوع اتفاق نظر دارند که نوع نظام سیاسی و ساخت و بافت جامعه، اقوام و اقلیت‌ها، تأثیرات مستقیم و غیرمستقیمی بر رفتار انتخاباتی، رفتار رأی‌دهی و به‌طورکلی نتایج نهایی انتخابات دارد.

بر اساس شاخص‌های ارائه‌شده از سوی تحلیلگران و جامعه‌شناسان در مورد مسائل سیاسی، قومی و فرهنگی جامعه و نظام سیاسی، ایران رتبه ۴۷ نهم‌گون‌ترین کشور جهان و رتبه ۲۹ از نظر تنوع زبانی را به خود اختصاص داده است (اکبری و فخار، ۱۳۹۶: ۷۴). وجود اقوام هفت‌گانه (کرد، ترک، بلوچ، ترکمن، عرب، لر، فارس)، اقلیت‌های دینی (زرتشتی، کلیمی، مسیحی) و اقلیت‌های مذهبی (اهل سنت در مذاهب چهارگانه) در ساختار سیاسی - اجتماعی ایران، ازجمله مصادیق این تکثر و تنوع‌هاست.

قوم بلوچ یکی از اقوام ایرانی است که تا قبل از سال ۷۶ مشارکت منفعل و حداقلی در انتخابات ریاست جمهوری داشته‌اند؛ اما به‌تدریج به‌صورت فعالانه در انتخابات بعدی شرکت کردند. آن‌ها طی انتخابات هفتم تا دوازدهم ریاست جمهوری به گفتمان و تفکر خاص با

اکثریت مطلق رأی داده‌اند. در انتخابات اخیر اکثریت آن‌ها گفتمان اعتدال را با بیش از هفتاد درصد آرای کل استان سیستان و بلوچستان انتخاب کردند (معاونت پژوهشی وزارت کشور، ۱۳۹۵). سطح پایین سواد، ساختار قومی - قبیله‌ای، بافت و ساخت سنتی، فقدان توسعه سیاسی - اقتصادی پایدار و... شاخصه‌هایی‌اند که برای شناخت قوم بلوچ در سطح کشور به‌کاررفته است؛ اما مشارکت سیاسی بالا و گرایش مطلق این قوم به گفتمان اعتدال (ترکیبی از اصلاحات - کارگزاران سازندگی با ادعای فرهنگ سیاسی مدنی، سطح توسعه اقتصادی و فرهنگی، رأی‌آوری از طبقات متوسط رو به بالای جامعه و...) در حضور گفتمان‌های مدعی عدالت اجتماعی و فقرزدایی برخی رقبای، مسئله پژوهش حاضر است. در این راستا برای پاسخ تحلیلی به مسئله مذکور کوشش می‌شود به سؤال‌های زیر پاسخ داده شود که تغییر رویکرد قوم بلوچ در انتخابات و فعال شدن آن‌ها در عرصه انتخابات ریاست جمهوری دوره دوازدهم، متأثر از چه عواملی بوده است؟ نگرش قومی و مذهبی درکنش و رفتار سیاسی خاص آن‌ها در انتخابات ریاست جمهوری دوازدهم چه تأثیری داشت؟ بر اساس اولویت‌سنجی، کدام عامل در رأی‌دهی این قوم به حسن روحانی نقش بیشتری داشته است؟

ساختار تحقیق به این شیوه است که در ابتدا کوشیده‌ایم ضمن تعریف مفاهیم کلیدی، پیشینه و مبانی نظری تحقیق، بررسی شود، سپس با احصاء مدل نظری پژوهش به سؤالات تحقیق و اعتبارسنجی فرضیه‌ها پاسخ داده شود.

۲- تعریف مفاهیم

۲-۱- هویت قومی

عالمان علوم اجتماعی از هویت به‌عنوان منشأ انسجام اجتماعی و لنگرگاه ثبات سیاسی - اجتماعی یادکرده‌اند (حاجیان، ۱۳۸۸: ۳۵). از همین رو مدعی‌اند که تفاوت‌های قومی، جنسی و پایگاه اجتماعی، تأثیر بسزایی بر چرخ حیات سیاسی - اجتماعی جوامع دارد (اوزکریملی، ۱۳۸۴: ۲۷۳ - ۲۷۵). هویت قومی، یکی از مهم‌ترین بعد هویت اجتماعی در اغلب نظام‌های سیاسی است که با در برگرفتن شاخصه‌هایی چون تعلق به سرزمین مشخص، زبان، فرهنگ، ادبیات، موسیقی، هنر و...، تحولات سیاسی - اجتماعی را تحت تأثیر قرار داده است. اسمیت، هویت قومی را ابزاری ذهنی می‌داند که بر رابطه متقابل نخبگان و مردم، بازتولید خاطرات مشترک، نگرش نوستالژیک و... تأثیر دارد (۱۳۸۳: ۸۵ - ۸۷). تاجفل، هویت قومی را فرآیند

بازنمایی اجتماعی - سیاسی می‌داند (نش، ۱۳۸۷: ۱۴۳ - ۱۴۵) و ریچارد جنیکنز، هویت قومی را فرآیند اجتماعی شدن و تعریف و بازتعریف افراد در تعاملات سیاسی - اجتماعی معرفی می‌کند (۱۳۸۱: ۳۴ - ۳۶). در نظر ایمانوئل کاستلز، هویت قومی، سازمان‌دهی و همبستگی اجتماعی در جامعه و شبکه قدرت است (۱۳۸۰: ۸۴ - ۸۵). اندیشمندان مکتب کنش متقابل نمادین، از جمله هربرت تلمید، هربرت بلومر و...، هویت اجتماعی، به‌ویژه هویت قومی را توانایی کنشگران برای تفسیر جهان و واقعیت‌های اجتماعی - سیاسی می‌دانند (ریتزر، ۱۳۷۴: ۱۵۵ - ۱۶۰).

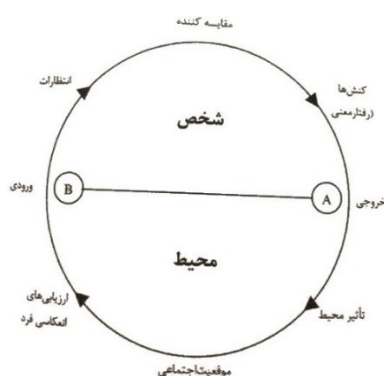
در واقع تفاوت‌ها و مناسبات اجتماعی افراد منجر به بازتولید هویت‌های اجتماعی، از جمله هویت قومی خواهد شد. رولان برتون معتقد است هویت قومی بر ساخت و ساز ذهنی است که در آن هر قشر و طبقه‌ای، دنبال جایگاه خود در تعلقات سیاسی - اجتماعی است (۱۳۸۴: ۲۲ - ۲۵). ویلیام سامنر، یکی از جامعه‌شناسان مطرح آمریکا، هویت قومی را در علوم اجتماعی معادل این جمله تعریف کرده است: «وضعیتی که در آن یک گروه اجتماع انسانی، ارزش‌ها، سنن و موازین فرهنگ خود را محور قضاوت در مورد دیگران قرار دادند و اغلب، فرهنگ خود را برتر از دیگر فرهنگ‌ها در نظر می‌گیرند» (به نقل از گیدنز، ۱۳۷۳: ۳۶۹).

با توجه به تعاریف یادشده، می‌توان گفت سازه‌های قومیتی یا تعلق به طایفه و عشیره، یکی از زمینه‌های کم و کیف حضور گروه‌های قومی در انتخابات است (صادقی جقه، ۱۳۹۴: ۱۰۶ - ۱۰۸). هویت قومی در ارتباط با هویت‌های محله‌ای، منطقه‌ای، نژادی، فرهنگی و... تعریف می‌شود که در جوامع متنوع و متکثر فرهنگی - قومی، سنت فرهنگی، اجتماعی و سیاسی مشترکی ایجاد می‌کند. آن‌ها از این طریق دنبال شناخت جایگاه خود در یک اجتماع بزرگ‌تر و رسیدن به هدف واحدی هستند. این مسئله در ایران به‌طور اخص پس از جنگ تحمیلی و مطرح‌شدن گفتمان‌های مختلف از سوی جریان‌های سیاسی در نتایج انتخابات ریاست جمهوری مؤثر بوده‌اند.

۲-۲- رفتار انتخاباتی

رفتار انتخاباتی بیانگر الگوی خاصی از رفتار سیاسی است که مبتنی بر مجموعه نگرش‌ها، ارزش‌ها، ایستارها، هنجارها و آداب و رسوم یک جامعه است. متداول‌ترین کاربرد این اصطلاح در جامعه‌شناسی سیاسی و روان‌شناسی اجتماعی است. بنا به تعریف‌های مختلف رفتار

انتخاباتی، می‌توان آن را «اعمال ترجیحات سیاسی رأی‌دهندگان دانست که اولین گام آن مشارکت یا عدم مشارکت در انتخابات است» (لیپست، ۱۳۸۳: ۷۶۲). رفتار انتخاباتی افراد جامعه که بر اساس فهم سیاسی و تفسیر آن‌ها صورت می‌گیرد، به‌نوعی می‌تواند در جهت حمایت، اصلاح و تغییر بنیادی نظام اجتماعی صورت پذیرد. از این‌رو می‌تواند ساختار و سیستم نظام سیاسی، حیات سیاسی و نحوه توزیع و چرخش قدرت و اقتدار و کم و کیف مشارکت فعال یا منفعل افراد را در یک جامعه برای ما مشخص و معین کند (عیوضی، ۱۳۸۲: ۳۴-۳۵). نهایتاً باید گفت که رفتار انتخاباتی مردم مبین تقاضاها و مطالبات سیاسی-اجتماعی آن‌هاست که در کارزارهای انتخاباتی، از یک‌سو تحت تأثیر فعالیت‌های ترویجی (از جمله تبلیغات) و از دیگر سو متأثر از عوامل و متغیرهای دیگری همچون شاخص‌های فرهنگی، جمعیت‌شناختی، اقتصادی، همچنین ماهیت و دامنه آرزوها و خواسته‌های رأی‌دهندگان و هویت دینی و ملی قرار می‌گیرد (صفری شالی، ۱۳۹۴: ۱۲۱-۱۲۴). لسترملبرت در کتاب «مشارکت اجتماعی» رفتار سیاسی و مشارکت انتخاباتی شهروندان را در چهار سطح عزلت‌جویی، رفتار تماشاگرانه، رفتار انتقالی و رفتار فعالانه و مشارکت‌جویانه آگاهانه، طبقه‌بندی کرده است (به نقل از صادقی جقه، ۱۳۹۴: ۱۰۴-۱۰۷). کنش سیاسی شهروندان در مشارکت سیاسی در شکل زیر نشان داده شده است:



شکل (۱) کنش سیاسی شهروندان در مشارکت سیاسی

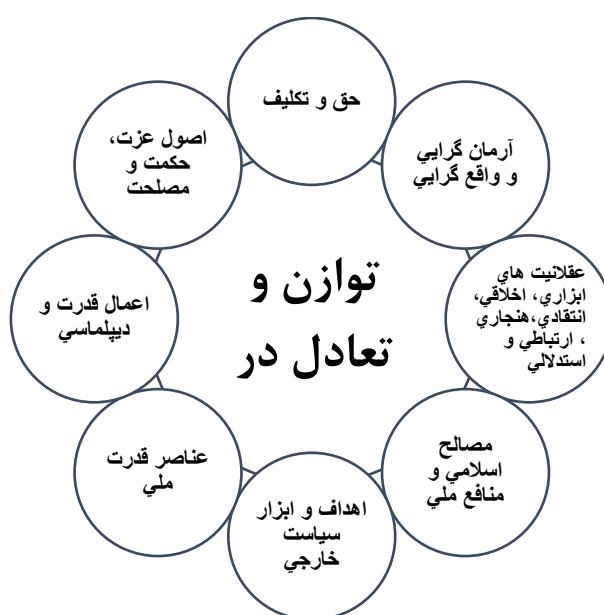
۲-۳- قوم بلوچ

در جوامع چند فرهنگی از جمله ایران، مسئله شکاف سیاسی - اجتماعی در قالب تقسیم جمعیت کشور به چند گروه قومی، مشارکت سیاسی - اجتماعی جامعه را متأثر کرده است (ضرغامی و انصاری زاده، ۱۳۹۱: ۹۷). بلوچ‌ها یکی از اقوام ایرانی تبارند که در بخش‌هایی از پاکستان، ایران، افغانستان، کشورهای حوزه خلیج فارس، تاجیکستان، ترکمنستان و... زندگی می‌کنند (گودرزی، ۱۳۸۴: ۵۰). طبق برخی منابع جمعیت آن‌ها در کشورهای مذکور حدود پنج میلیون نفر تخمین زده شد (فلاحی، ۱۳۹۴: ۱۴۳). در ایران بنا بر برخی آمارهای غیررسمی، جمعیت بلوچ‌ها نزدیک به یک میلیون نفر تخمین زده شد که در استان‌های سیستان و بلوچستان، کرمان، هرمزگان، گلستان، خراسان‌ها، لارستان و تهران ساکن‌اند. این قوم که اغلب سنی مذهب (حنفی) اند از قبایل مختلفی تشکیل شده‌اند، طوایف بلوچ‌زهی، ریگی، نارویی، براهویی، شه بخش، کیانی، یارمحمدزهی و شه‌نوازی، از جمله مهم‌ترین آن‌هاست (فلاحی، ۱۳۹۴: ۱۴۴ - ۱۴۵).

انگاره‌های ذهنی قوم بلوچ در ساختار سیاسی - اجتماعی ایران تحت تأثیر متغیراتی چون تفاوت مذهبی - قومی و زبانی، حاشیه مرزی قرار داشتن، انفصال هویتی آن‌ها در اثر تجزیه ایالت بلوچستان در کشورهای پاکستان و افغانستان و... بوده است. این امر تجانس فرهنگی - مذهبی با بیرون از مرزها و تفاوت با داخل ایران برای برخی از آن‌ها در پی داشته است (پیشگاهی فرد، ۱۳۸۵: ۸). همچنین، پایین بودن سطح توسعه‌یافتگی استان، قرار گرفتن در مسیر ترانزیتی و مرکز پخش مواد مخدر، پراکندگی جمعیت و وسعت این استان، دوری از پایتخت کشور مطالبات خاص برای آن‌ها شکل داده است (ضرغامی و انصاری زاده، ۱۳۹۱: ۹۷). یکی از ویژگی بارز فرهنگی - سیاسی این قوم، بافت و ساخت قبیله‌ای - سستی حاکم در منطقه است، این مسئله به‌عنوان یک سنت و قانون نانوشته عرفی، معتمدان محلی و مذهبی را به‌عنوان جریانی تأثیرگذار بر مشارکت و کنش سیاسی آن‌ها تبدیل کرده است (گودرزی، ۱۳۸۴: ۵۱ - ۵۵). انتخابات ریاست جمهوری به‌عنوان مصداق عملیاتی تأثیرگذاری اقشار و طبقات مختلف، مطالبه خواهی قانونی، ترجیحات سیاسی و مشارکت فعالانه یا منفعل آن‌ها را در پی داشته است. مصداق عملیاتی این کنش را در گرایش به جریان، گفتمان و تفکرات خاص در انتخابات متأخر می‌توان مشاهده کرد.

۲-۴- گفتمان اعتدال

گفتمان اعتدال یا به اعتقاد حسن روحانی مدل سیاست ورزی خردگرا و آرمان‌گرایی واقع‌بین، رویه‌ای متفاوت و متعارض از گفتمان دولت‌های نهم و دهم در سطح داخل و خارج، از سوی دست‌اندرکاران ستاد انتخاباتی وی در انتخابات یازدهم ریاست جمهوری مطرح شد (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۳: ۱). حسن روحانی شاکله اصلی و مفصل‌بندی محکم این گفتمان را تعادل و توازن در عوامل مختلفی بدین شرح در نظر گرفته است:



شکل (۲) شاکله اصلی گفتمان اعتدال

(دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۳: ۷-۱۳، فریدون و قوام ۱۳۹۷: ۱۷۸)

وی در جریان تبلیغات انتخابات ریاست جمهوری، نگاه و نگرش حاکم بر دولت خود را تلفیقی از اعتدال و اصلاحات در جهت‌گیری‌های اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی مطرح کرد و با شعار «دوباره ایران، دوباره اسلام، دوباره امید» در مورد اهداف داخلی، سیاست‌های آینده و نقد نگرش‌های قبلی حاکم در کشور گفت: «ما در آستانه یک تصمیم بزرگ تاریخی هستیم. ملت ما در این هفته می‌خواهد اعلام کند که آیا به سال ۹۱ برمی‌گردیم یا به سال ۱۴۰۰ می‌رویم»؛ در ادامه می‌گوید: «ملت ما در روز جمعه این هفته می‌خواهد اعلام کند که

آیا مسیر آرامش را ادامه می‌دهد یا می‌خواهد مسیر تنش را انتخاب کند، ما مسیر و نگرش اعتدال و اصلاحات را که نیازهای اصلی جامعه فعلی کشور است، رها نخواهیم کرد» (روحانی ۱۳۹۶/۰۲/۲۳ و ۱۳۹۶/۰۲/۰۹). در دور دوازدهم ریاست جمهوری، حسن روحانی با شعار انتخاباتی «آزادی، امنیت، آرامش و پیشرفت» وارد کارزار انتخاباتی شد. نه به امپراتوری دروغ و تزویر، برابری فرصت سیاسی، تزریق امید در سطح جامعه، تحقق آرامش و امنیت روانی مطلوب در جامعه، عدالت جنسیتی، مبارزه با کاسبان تحریم، احترام به فرهنگ و هویت های متکثر ایرانی، احترام به نظر مخالفان و منتقدان، مبارزه با محدودیت‌های فیلترینگ، مبارزه با فساد و رانت‌خواری سازمان‌یافته، دوری از تنش‌آفرینی سیاسی و مذهبی در داخل و منطقه، چرخش زندگی مردم و چرخ‌های سانتی‌فیوژها، صیانت از آزادی‌های شخصی و اجتماعی افراد، قشرها، اقوام و اقلیت‌های مختلف، (زائری و دیگران، ۱۳۹۶: ۱۱۷ - ۱۲۰) خارج کردن کشور از انزوای بین‌المللی، پیگیری موضع تنش‌زدایی با قدرت‌های بزرگ به‌ویژه ایالات متحده، حل مسئله هسته‌ای از راه همکاری و مذاکره با غرب به‌جای پیگیری سیاست‌های هزینه‌ساز و ماجراجویانه، استمرار موج امید و نشاط در سطح جامعه، قانون‌گرایی، حقوق شهروندی، اخلاق‌مداری، امنیت و آزادی حول محور اعتدال و عقلانیت (مجیدی و رحیمی نیا، ۱۳۹۷: ۱۳۸ - ۱۳۶) و... از جمله مهم‌ترین کلیدواژه‌هایی بودند که از سوی گفتمان و جریان اصلاحات - اعتدال در این دوره در کارزار رقابت‌های انتخاباتی و جلب آرای مردم مطرح شد (رضایی و ترابی، ۱۳۹۲: ۱۳۱).

۳- مرور ادبیات تحقیق

دودونیان (۲۰۱۸) در کتاب بلوچ اهل سنت و دولت در ایران: از قبیله به جهانی، به تحلیل وضعیت و تغییر و تحولات اهل سنت و رابطه و نسبت آن‌ها با دولت مرکزی در ایران معاصر بخصوص جمهوری اسلامی ایران پرداخته است. وی مشارکت دادن آن‌ها را در فرآیند توزیع قدرت، مهم‌ترین اصل در نظر گرفته است که آنان برخلاف اهل سنت در دیگر کشورها، در جمهوری اسلامی ایران احساس هویت می‌کنند.

میلانی و کرمی (۱۳۹۶) در کتاب «اقتصاد سیاسی انتخابات: نگاهی به انتخابات دهم ریاست جمهوری از منظر اقتصاد سیاسی» انتخابات را از منظر مسائل اقتصادی و حوزه اقتصاد سیاسی با تأکید بر نظریه انتخاب عمومی بررسی کرده است. آن‌ها بر این اعتقادند که هرچند

رفتار انتخاباتی افراد و قشرهای مختلف در انتخابات را باید با نگاهی چندجانبه بررسی کرد؛ ولی محور اصلی رفتار رأی‌دهی شهروندان مختلف جامعه را محاسبات سود و زیان برای انتخاب فرد آینده کشور در نظر می‌گیرند.

قیصری و دیگران (۱۳۹۶) در مقاله «انتخابات ریاست جمهوری؛ مدلی نظری برای تبیین پیروزی یک کاندیدا بر سایر رقبا» به دنبال ارائه الگویی نظری برای شناسایی یکی از عوامل مؤثر بر سرنوشت رقابت انتخاباتی و پیروزی کاندیدا با استفاده از رهیافت بسیج منابع و تعیین نوع منابع در اختیار کاندیداها و نظریات آن بوده است. فرضیه اصلی پژوهش بر این اصل استوار است که «بسیج منابع در اختیار کاندیدا یا کاندیداها یک حزب، در فرایند انتخابات، عامل پیروزی کاندیدا یا کاندیداها بر رقبای آنهاست».

قهرمان‌پور (۱۳۹۴) در کتاب «بازی انتخابات ریاست جمهوری در ایران» به دلایل پیروزی حسن روحانی در انتخابات یازدهم ریاست جمهوری پرداخته است. وی در رابطه با نتایج غیرمنتظره انتخابات در این چند دوره اخیر در انتخابات ریاست جمهوری، بر این عقیده است که در این بازی احتمال برد نامزدی بیشتر است که دانش انتخابات را با هنر مبارزات انتخاباتی درهم آمیزد و جسارت و توان لازم را برای ادامه بازی داشته باشد.

نائیجی، اله‌وردی‌زاده و عنایتی شبکلائی (۱۳۹۳) در مقاله «بررسی نقش سرمایه اجتماعی بر رفتار انتخاباتی (مطالعه موردی بلوچ و ترکمن)»، به دنبال بررسی و تحلیل نقش سرمایه اجتماعی بر رفتار انتخاباتی در دو قوم بلوچ و ترکمن هستند تا جوابی برای این سؤال بیابند که تقویت یا کاهش سرمایه اجتماعی چه اثراتی می‌تواند بر رفتار انتخاباتی دو قوم مذکور برجای بگذارد. یافته‌های پژوهش که به روش پیمایشی و جامعه آماری افراد بالای هیجده سال شهرستان‌های آق‌قلا از قوم ترکمن و شهرستان خاش از قوم بلوچ است و با کمک نرم‌افزار Spss مورد تحلیل قرار گرفت، حاکی از آن بود که ضریب همبستگی متغیر سرمایه اجتماعی با رفتار انتخاباتی برابر با ۰/۳۸۶ است.

کریمی مله (۱۳۹۰) در کتاب «درآمدی بر جامعه‌شناسی سیاسی تنوع قومی» در ابتدا به اهمیت تنوع و تکثر فرهنگی پس از فروپاشی شوروی می‌پردازد. سپس به مسائل تنوع قومی، آثار و پیامدهای آن در حوزه سیاست و جامعه‌شناسی سیاسی و سرانجام به مسئله و مؤلفه‌های

سیاسی شدن قومیت‌ها پرداخته است. وی چهار عامل صنعتی شدن، دموکراسی، لیبرالیسم و جهانی شدن را باعث مهم تلقی شدن تنوع فرهنگی در سطح جهان مطرح می‌کند.

کریستین (۲۰۱۵) در مقاله «دست‌های قبیله‌ای و رأی اقلیت‌ها: قومیت، منطقه و انتخابات در ایران» سیاست‌های قومی و مناطق حاشیه‌ای را یک چالش جدی داخلی برای ایران مطرح کرده است. وی معتقد است اقلیت‌های غیرفارسی‌زبان که احساس می‌کنند حقوق آن‌ها در نظام سیاسی مورد ظلم واقع شده است، بیشتر به چشم می‌خورد. از این رو فعالان اجتماعی و مدنی تلاش می‌کنند با بسیج آن‌ها جلوی سوءاستفاده از سیاست‌های قومی را بگیرند. بر همین اساس در استان‌هایی که دارای تاریخچه تنش‌های قومی و قبیله‌ای بودند، با این امید که قرار است تغییر و تحولاتی رخ دهد، اکثریت به وی رأی دادند.

عبدالله (۱۳۹۱) در کتاب «تحلیل رفتار رأی‌دهی در ایران: مطالعه موردی شهروندان تهرانی در انتخابات ۸۷ - ۸۸» پس از ذکر رویکردهای نظری مشارکت سیاسی و رفتار رأی‌دهی، نتایج و متغیرهای انگیزشی رفتار رأی‌دهی تهرانی‌ها از جمله تبلیغات نامزدها، نقش صداوسیما، احزاب و جریانات سیاسی، ویژگی‌های شخصیتی نامزدها، ویژگی‌های جمعیت شناختی تهرانی‌ها در انتخابات ریاست جمهوری و مجلس شورای اسلامی را تجزیه و تحلیل کرده است.

حافظنیا و کاویانی (۱۳۸۵) در مقاله «نقش هویت قومی در همبستگی ملی قوم بلوچ»، در پاسخ به این سؤال که نسبت هویت قومی با تأکید بر قوم بلوچ با هویت ملی چگونه است، به این نتیجه رسید که بلوچ‌ها از نظر آداب، رسوم و هنجارها به شدت متأثر از دین اسلام هستند و یکی از مهم‌ترین اشتراکات بلوچ‌ها با بقیه مردم ایران، اشتراک دینی است. تفاوت مذهبی بلوچ‌ها باعث شده در طول تاریخ در حاشیه حیات سیاسی قرار بگیرند. بلوچ‌ها به سیاست دولت مرکزی با دیده شک می‌نگرند؛ حتی پس از پیروزی انقلاب اسلامی این احساس عدم اطمینان افزایش یافته است.

۳-۱- نوآوری تحقیق و وجه ممیزه پژوهش حاضر

انتخابات اخیر ریاست جمهوری و تلاش رسانه‌ای و تبلیغاتی گفتمان‌های مختلف برای کسب قدرت در بازاریابی سیاست، گروه‌های قومی و مذهبی را متغیری تأثیرگذار در جهت برهم زدن تعادل ترازوی رأی به نفع گفتمانی خاص، قلمداد کرده‌اند.

بررسی پژوهش‌های انجام‌شده در زمینه تحلیل رفتار رأی‌دهی اقوام نشان می‌دهد که تاکنون متغیرهای تأثیرگذار بر رفتار سیاسی اقوام و اقلیت‌ها در فرآیند انتخابات با تکیه بر یک قوم خاص، با در نظر گرفتن وضعیت داخلی و خارجی کشور در انتخابات، از منظر جامعه‌شناختی، طبقه‌بندی و ارزیابی نشده است. به همین منظور پژوهش حاضر با کاربری روش پیمایشی می‌کوشد ضمن استفاده از مبانی نظری و نقد و بررسی پژوهش‌های انجام‌شده در این زمینه، عوامل مؤثر بر کنشگری قوم بلوچ در انتخابات دوازدهم ریاست جمهوری را احصا، سپس اولویت‌سنجی مطالبات قوم بلوچ در رأی‌دهی به گفتمان اعتدال را بررسی و تحلیل کند.

۴- چارچوب نظری تحقیق

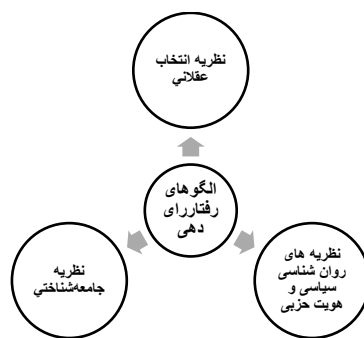
سنجش گرایش‌ها و تمایلات سیاسی - اجتماعی قشرها، طبقات و گروه‌های مختلف و متنوع موجود در جامعه بخصوص اقوام و اقلیت‌ها از موضوعات مهمی است که جامعه‌شناسی سیاسی تلاش می‌کند در قالب رفتار سیاسی و رفتار رأی‌دهی به صورت تخصصی به تحلیل و تشریح آن بپردازد. مهم‌ترین مسئله‌ای که بر همین مبنا در ذهن تحلیلگران و اندیشمندان، جهت تحلیل مسائل اجتماعی و سیاسی جامعه ایجاد گردید، پاسخ به این پرسش بود که چرا مردم به شکلی رفتار می‌کنند که رفتار می‌کنند؟ (مارش و استوکر، ۱۳۸۸: ۱۲۳)

به عقیده کارلسینس اختلاف‌نظرها و اختلاف برداشت‌ها از موضوعات و مسائل سیاسی - اجتماعی در نظرات مختلف علوم اجتماعی به مسئله ساختار و کارگزار برمی‌گردد (جکسون ها، ۱۹۹۳: ۲۶، حاج یوسفی، ۱۳۸۴: ۱۰۲). به‌طور کلی سه نگاه و نگرش کلان در مورد تبیین و تحلیل رفتار سیاسی مطرح شده است:

نخست ساختارگرایان که شرایط اجتماعی، زمینه‌ها و ساخت اجتماع، طبقات، دولت و... را تعیین‌کننده رفتار عاملان و کنشگران در نظر دارند (معینی علمداری، ۱۳۸۵: ۱۰۸).

دوم اراده‌گرایان هستند که دیدگاه‌ها، اعتقادات، آگاهی و شناخت هویت فردی یا جمعی عاملان را عنصر محوری در مسائل اجتماعی می‌دانند (داور پناه و سالاری، ۱۳۹۰: ۹ - ۱۰). نهایتاً رویکرد ساخت‌یابی یا همان تعامل دیالکتیک ساختار و کارگزاران هستند، بر تعامل و تفاهم ساختار و کارگزار در ایجاد تغییرات و تحولات اجتماعی تأکید دارند (های، ۱۳۹۰: ۱۹۲ - ۱۹۵). با توجه به تعریف و تحلیل مؤلفه‌های ساختاری و کارگزاری در تحلیل و تبیین رفتار

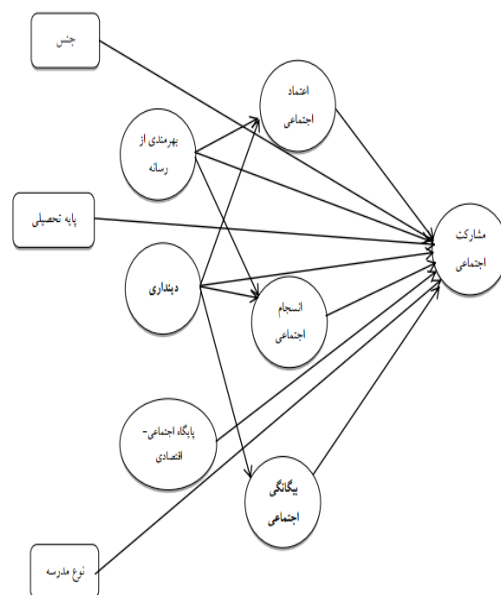
سیاسی باید به الگوهای نظری و مدل‌هایی اشاره کرد که این امر را در دستور کار خود قرار داده‌اند. در الگوهای رفتار رأی‌دهی تلاش می‌کند به این سؤالات پاسخ دهد: دلایل ارجحیت یک حزب، جریان یا شخصی خاص نسبت به بقیه در کارزار رقابت‌های انتخابات ریاست جمهوری از سوی افراد، قشرها و گروه‌های مختلف جامعه کدام بوده است؟ مردم و شهروندان جامعه در نظام‌های سیاسی مختلف بر چه اساس و ملاک‌هایی رأی می‌دهند؟ مهم‌ترین الگوهای ارائه‌شده در پاسخ به سؤالات فوق در شکل زیر آورده شده است:



شکل (۳) الگوهای ارائه‌شده در پاسخ به سؤالات پژوهش

الف) رویکرد جامعه‌شناختی - جمعیت شناختی

نظرات و دیدگاه‌های گروه تحقیقاتی دانشگاه کلمبیا (۱۹۴۰) و لازارسفیلد، آندره زیگفرید، فرانسوا گوگیل، لیست و... از جمله این نحله‌اند. برخلاف نظریات روان‌شناسانه که بر سطح تحلیل فردی توجه دارند، نظریه جامعه‌شناختی بر این مبنا استوار است که شرایط اجتماعی، محیطی، جغرافیایی، اقتصادی و فرهنگی در رفتار انتخاباتی افراد مؤثر است؛ چراکه بین شرایط اجتماعی افراد و گرایش‌های سیاسی آن‌ها رابطه‌ای مستقیم وجود دارد. از این رو بامطالعه شرایط اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی افراد و قشرها رأی‌دهنده یک منطقه خاص، می‌توان نگرش، بینش و جهت‌گیری سیاسی - اجتماعی و در نتیجه رفتار رأی‌دهی آن‌ها را پیش‌بینی و تحلیل کرد (لازارسفیلد، ۱۳۸۲: ۱۴ - ۱۶). لازارسفیلد نتیجه می‌گیرد که فرد از نظر سیاسی آن‌گونه می‌اندیشد که از نظر اجتماعی در آن به سر می‌برد. خصلت‌های اجتماعی تعیین‌کننده گرایش‌ها و ترجیحات سیاسی افرادند (لازارسفیلد، ۱۳۸۲: ۱۶-۷). متغیرهای تأثیرگذار در کم و کیف مشارکت سیاسی و رفتار رأی‌دهی از این منظر در شکل زیر آورده شده است:



شکل (۴) متغیرهای تأثیرگذار در کم و کیف مشارکت سیاسی و رفتار رأی‌دهی
(پرچمی، ۱۳۹۵: ۵۶) (اشانی و جنتی فر، ۱۳۹۵: ۸۱-۸۳).

ب) رویکرد روان‌شناختی

مدل پژوهشگران دانشگاه میشیگان (۱۹۴۸)، تحقیقات کمپل و همکاران، افرادی چون چالز مری‌ام، ویلیام جیمز، بتلی، لاسول، اینگلهارت، بارت، رابرت دال و... در این نحله قرار دارند. این نگرش برعکس نگاه قبلی رفتار سیاسی و رفتار رأی‌دهی را تابع تلقی افراد از موضوعات سیاسی مهم در جامعه و تأثیرگذاری عوامل روانی می‌داند. اینان تعلق‌خاطر و وابستگی حزبی، پیوند و علاقه عاطفی و احساسی به یک جریان یا گرایش خاص افراد را در تعیین ترجیحات سیاسی و کنش خاص مهم و کلیدی قلمداد کرده‌اند (ایوبی، ۱۳۷۷: ۲۲۰ - ۲۲۱). رأی دادن قبل از این‌که پدیده‌ای اجتماعی باشد یک عمل سیاسی است و تابع عوامل روانی و عاطفی و تلقی افراد از موضوعات سیاسی مهم و کلیدی در جامعه است (کلاتری، ۱۳۸۴: ۱۶۸-۱۶۷)، پس افراد اغلب با توجه به ویژگی‌های روانی فردی و انگیزه‌های شخصی، تعلقات سیاسی که دارند، به سراغ انتخابات می‌روند. پژوهشگران میشیگان در کتاب «رأی‌دهندگان آمریکایی» به مطالعه انتخابات مختلف ریاست جمهوری آمریکا پرداختند و به این نتیجه رسیدند که مهم‌ترین متغیر توضیح‌دهنده آرای افراد، وابستگی حزبی رأی‌دهندگان است. اغلب رأی‌دهندگان توجه چندانی به برنامه‌های احزاب و موضوعات یادشده از سوی نامزدها نمی‌کنند و بسیاری از آن‌ها چندان علاقه‌ای به این امور ندارند (صالحی نجف‌آبادی، ۱۳۹۴: ۸۸ - ۸۹). رابرت دال در کتاب انسان سیاسی بر اساس همین نگرش، مشارکت سیاسی و رفتار افراد در سیاست را به پاداش یا مزایای حاصل از آن نسبت می‌دهد (دال، ۱۳۶۴: ۱۳۳). رونالد اینگلهارت در همین راستا بر این اعتقاد است رفتار رأی‌دهی افراد بر مبنای این تعیین می‌شود که در کجای سلسله‌مراتب نیازها قرار داشته باشند. به این ترتیب، قشرهای مرفه اغلب به گروه‌های سیاسی دارای اهداف فرهنگی و گروه‌های کم‌درآمد باید به گروه‌هایی با اهداف اقتصادی رأی دهند (اینگلهارت، ۱۹۹۰: ۱۲۴).

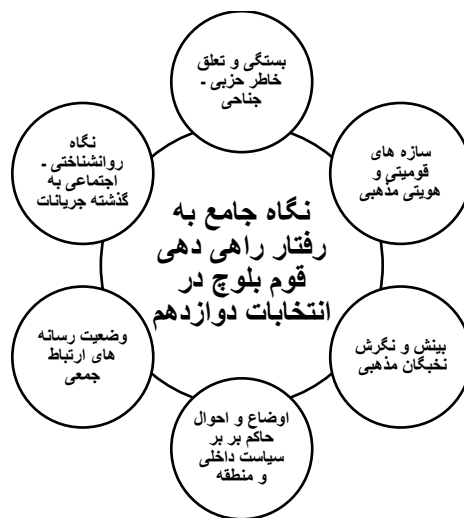
ج) رویکرد انتخاب عقلانی

درواقع این رویکرد تلاش می‌کند به این سؤالات پاسخ دهد که چرا مردم رأی می‌دهند؟ ثانیاً چرا احزاب، گرایش، کاندید، جناح خاصی را بر دیگران ترجیح می‌دهند؟ فرضیه اساسی این نظریه مبتنی بر این اصل است که نتایج انتخابات به شدت به نتایج و عملکرد اقتصادی،

خصوصاً سیاست‌گذاری در حوزه مهار یا گسترش مقولاتی چون رکود اقتصادی، تورم و بیکاری فزاینده، رفاه، بهداشت و... تأثیر عمده‌ای بر نتایج انتخابات دارد (دارابی، ۱۳۸۸: ۳۲۷). کسانی چون آنتونی داونز، جیمز بوکانان، گوردون تولاک، ویلیام ریکر، پتر اردشاک، دنیس مولر و... (نئوکلاسیک‌های انتخاب عقلانی) و جورج هومنز، مایکل هشر، دانیل لیتل و... (ساختارگرایان انتخاب عقلانی)، گراهام والاس، والتر لیپمن، بوکانان، دیوید اسنو، برایان فی و... بر این عقیده‌اند که منافع اقتصادی مطلوب، انتخاب عقلانی، آگاهانه و ارادی، ترجیحات عقلانی مبتنی بر محاسبه سود و زیان شخصی و... انگیزه اصلی افراد برای مشارکت در انتخابات و رأی دادن به یک جناح خاص است. بدین معنی که در این نگرش جامعه به صورت سیستمی فرض می‌شود که محاسبه‌گری و عقلانیت، جهت هزینه کردن حداقل و بیشینه کردن منافع در حوزه‌های فردی، جمعی و گروهی است. شهروندان جامعه دنبال تأمین مطلوب منافع خود در ابعاد مختلف هستند و از سوی دیگر گروه‌ها، احزاب، افراد برای کسب قدرت دنبال به دست آوردن اعتماد بیشترین افراد جامعه‌اند تا بتوانند به اهداف مطلوب خود دست یابند (کلانتری: ۱۳۸۴: ۵). از این رو رأی‌دهندگان سعی می‌کنند از میان تبلیغات نامزدها، به نامزد و برنامه‌ای رأی دهند که منافع آنان را به‌خوبی تأمین می‌کند (رضوانی، ۱۳۸۶: ۱۵۲: ۱۵۴). موارد فوق در یک بستر تعاملی، الگوی رفتاری رأی‌دهی شهروندان را مشخص می‌کنند (ایوبی، ۱۳۷۷، ۲۲۰، رضوانی، ۱۳۸۶: ۱۴۹). برای شناسایی متغیرهای تأثیرگذار در الگوی رفتار رأی‌دهی قوم بلوچ باید نگاهی جامع در قالب مبنا قرار دادن سازه‌های عینی و ذهنی را مدنظر داشت. از این رو نگاه جامع مطلوب‌تر خواهد بود در نگاه و نگرش جامع به مشارکت و رفتار رأی‌دهی افراد، برخلاف نگرش‌های تک‌بعدی مدل‌های قبلی، اعتقاد بر آن است که رأی‌دهنده زندانی شرایط اجتماعی و محیطی خود نیست؛ رأی فرد در نتیجه فرآیندی است که مقتضیات زمان، ویژگی‌های اجتماعی، اقتصادی و محیطی، بخشی از آن محسوب می‌شود. رفتار رأی‌دهی متأثر از موقعیت‌های عینی و واقعی چون: سن، جنس، درآمد، وطن، خاستگاه اجتماعی و از سوی دیگر به متغیرهایی برمی‌گردد که یا ذهنی‌اند مثل هویت مذهبی، کم و کیف آگاهی اجتماعی ارزش‌ها و گرایش‌های سیاسی است (عبدالله، ۱۳۹۱: ۱۲۸، ایوبی، ۱۳۷۷: ۲۳۳ - ۲۳۵). مدل مفهومی مدلی است که محقق روابط میان متغیرها را بر اساس چارچوب نظری پژوهش حدس زده و پیش‌فرض تحلیلی خود قرار می‌دهد. به عبارت دیگر

در هر پژوهش هدف محقق بسته به نوع پژوهش شناسایی مدل مفهومی یا آزمون مدل مفهومی است که بر اساس مرور ادبیات پژوهش به‌دست آمده است.

نگاه و نگرش سیستمی و جامع رفتار رأی‌دهی شهروندان بلوچ در انتخابات گوناگون در شکل زیر که مدل تحلیل این تحقیق را تشکیل می‌دهد، آورده شده است:



شکل (۵) نگرش جامع رفتار رأی‌دهی شهروندان بلوچ در انتخابات گوناگون

۵- فرضیه‌های پژوهش

بر اساس مبانی نظری و مدل مفهومی^۱ فرضیات و سؤالات پژوهش به‌صورت زیر شکل گرفته است:

۱. عوامل حقوقی در میزان مشارکت قوم بلوچ در انتخابات ریاست جمهوری تأثیرگذار است.
۲. عوامل و سوابق تاریخی نامزدهای انتخاباتی در میزان مشارکت قوم بلوچ در انتخابات ریاست جمهوری تأثیرگذار است.
۳. ویژگی‌های شخصیتی نامزد در میزان مشارکت قوم بلوچ در انتخابات ریاست جمهوری تأثیرگذار است.

۴. انتظارات انتخاباتی در میزان مشارکت قوم بلوچ در انتخابات ریاست جمهوری تأثیرگذار است.
۵. تأثیر پذیرفتن از نخبگان سیاسی و دینی در میزان مشارکت قوم بلوچ در انتخابات ریاست جمهوری تأثیرگذار است.
۶. قرابت با ایدئولوژی‌های مذهبی اقلیت‌ها در میزان مشارکت قوم بلوچ در انتخابات ریاست جمهوری تأثیرگذار است.
۷. روند تحولات جهانی و منطقه در میزان مشارکت قوم بلوچ در انتخابات ریاست جمهوری تأثیرگذار است.
۸. روند شبکه‌های مجازی در میزان مشارکت قوم بلوچ در انتخابات ریاست جمهوری تأثیرگذار است.

۶- روش‌شناسی پژوهش

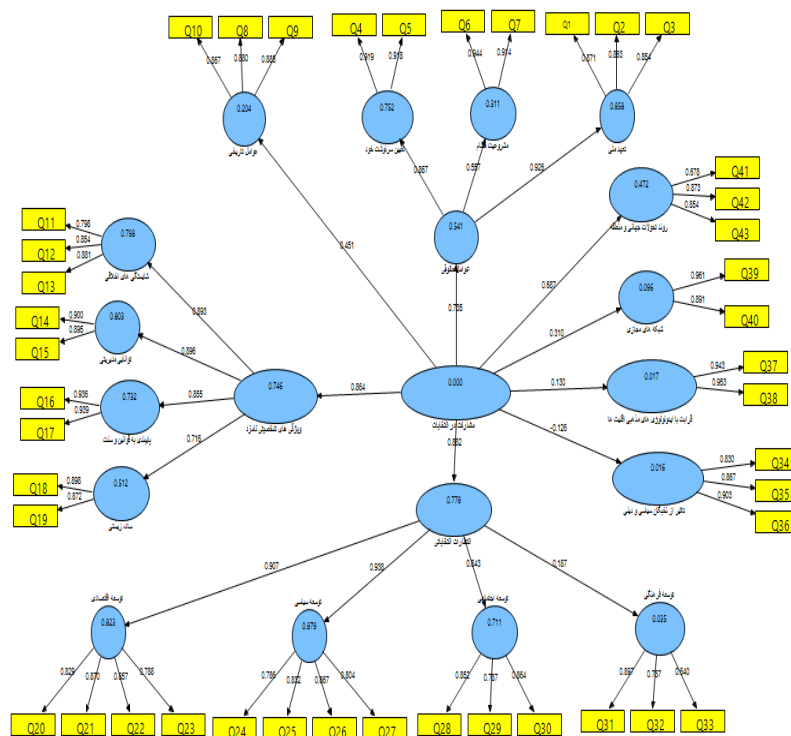
پژوهش حاضر از نظر هدف کاربردی و از نظر روش، توصیفی و از نوع پیمایشی است. جامعه آماری شهروندان بلوچ هستند که به صورت تصادفی ساده به عنوان نمونه آماری انتخاب شدند. پرسشنامه‌ها به این صورت توزیع شده است که بین شهروندان بلوچ کشور ما که در دسترس قرار داشتند، پرسشنامه توزیع گردیده است که تعداد پرسشنامه‌های تحلیل شده ۳۰۸ نفر است. در این پژوهش در بخش استنباطی برای آزمون فرضیات و مدل از معادلات ساختاری مبتنی بر واریانس با استفاده از روش حداقل مربعات جزئی با استفاده از نرم‌افزارهای SPSS و حداقل مربعات جزئی و برای سنجش وضعیت مشارکت قوم بلوچ در انتخابات ریاست جمهوری سال گذشته از آزمون T تک نمونه با استفاده از نرم‌افزار SPSS استفاده می‌گردد. مدل یابی به کمک اسمارت پی‌ال‌اس در حوزه‌های متنوع از جمله حوزه علوم اجتماعی کاربرد دارد. البته مزیت اصلی آن در این است که این نوع مدل یابی نسبت به لیزرل قادر به اجرای مدل‌های پیچیده است. از طریق مدل یابی اسمارت پی‌ال‌اس می‌توان ضرایب رگرسیون استاندارد را برای مسیرها، ضرایب تعیین را برای متغیرهای درونی و اندازه شاخص‌ها را برای مدل مفهومی به دست آورد (ون وو، ۲۰۱۰). در روش حداقل مربعات جزئی^۳ برای سنجش بخش اندازه‌گیری که مربوط به پایایی و روایی ابزار پژوهش (پرسشنامه)

است از آزمون‌های آلفاکرونباخ، پایایی ترکیبی، روایی واگرا و همگرا استفاده شده است که در ادامه شرح داده شده است؛ و پس از بررسی بخش اندازه‌گیری ابزار پژوهش سپس به بررسی برازش کلی مدل برای تأیید و رد فرضیات و سؤالات استفاده می‌شود که در این پژوهش از پردازش کلی مدل استفاده شده است و پس از آن که پردازش کلی مدل مورد تأیید قرار گرفته است حال نوبت آن است که به بررسی فرضیات پردازیم؛ که در بررسی فرضیه پژوهش از آمار تی تک نمونه استفاده شده است و برای سنجش سؤالات از آزمون تی تک نمونه استفاده شده است.

پایایی و روایی در روش حداقل مربعات جزئی: (ضریب بارهای عاملی، آلفاکرونباخ،

پایایی ترکیبی، روایی همگرا و روایی واگرا)

۱) ضریب بارهای عاملی: بارهای عاملی از طریق محاسبه مقدار همبستگی شاخص‌های یک سازه با آن سازه محاسبه می‌شوند که اگر این مقدار برابر و یا بیشتر از مقدار ۰/۴ شود مؤید این مطلب است که واریانس بین سازه و شاخص‌های آن از واریانس خطای اندازه‌گیری آن سازه بیشتر بوده و پایایی در مورد آن مدل قابل قبول است. هرچند برخی نویسندگان مثل ریوارد و هاف^۴ (۱۹۹۸) عدد ۰/۵ را به عنوان مقدار ملاک بارهای عاملی ذکر نموده‌اند.



شکل (۶) ضریب بارهای عاملی معرف‌های پژوهش

۲) آلفای کرونباخ: معیاری کلاسیک برای سنجش پایایی و سنج‌های مناسب برای ارزیابی پایداری درونی (سازگاری درونی) محسوب می‌شود. مقدار آلفای کرونباخ بالاتر از ۰/۷ بیان‌گر پایایی قابل قبول است. ۳) پایایی ترکیبی: معیار پایایی ترکیبی در مدل‌سازی معادلات ساختاری معیار بهتری از آلفای کرونباخ به شمار می‌رود چراکه در محاسبه پایایی ترکیبی، شاخص‌های با بار عاملی بیشتر اهمیت زیاده‌تری دارند (وینزی و همکاران، ۲۰۱۰). با عنایت به موارد فوق و با توجه به جدول ۲ مقدار تمامی سازه‌ها مورد تأیید هستند، برازش مناسب مدل‌های اندازه‌گیری تأیید می‌شود. ۴) روایی همگرا: روایی همگرا معیاری است که برای برازش مدل‌های اندازه‌گیری در روش حداقل مربعات جزئی به کار برده می‌شود. معیار میانگین واریانس استخراج‌شده نشان‌دهنده میانگین واریانس به اشتراک گذاشته شده بین هر سازه با شاخص‌های خود است.

جدول (۱) آلفای کرونباخ، ضریب پایایی ترکیبی، میانگین واریانس استخراج شده

ردیف	متغیر	پایایی ترکیبی	آلفا کرونباخ	میانگین واریانس استخراج شده
		بزرگ‌تر از ۰/۷	بزرگ‌تر از ۰/۷	بزرگ‌تر از ۰/۵
۱	مشارکت در انتخابات ریاست جمهوری	0.930638	0.922586	0.5268
۲	عوامل حقوقی	0.884614	0.845688	0.531043
۳	قوانین و سنت	0.936047	0.863372	0.879782
۴	ساده زیستی	0.878345	0.723736	0.783115
۵	انتظارات انتخاباتی	0.903208	0.881112	0.8850
۶	توسعه اقتصادی	0.903097	0.856502	0.699984
۷	توسعه سیاسی	0.893221	0.840248	0.676818
۸	توسعه اجتماعی	0.87332	0.782799	0.697135
۹	توسعه فرهنگی	0.822145	0.758044	0.610797
۱۰	تأثیر از نخبگان سیاسی و دینی	0.900868	0.842253	0.752031
۱۱	ایدئولوژی مذهبی و اقلیت‌ها	0.946516	0.887245	0.898466
۱۲	شبکه مجازی	0.923423	0.843269	0.857914
۱۳	تحولات جهانی	0.846573	0.730822	0.650524
۱۴	تعهد ملی	0.89752	0.828739	0.744866
۱۵	سرنوشت خود	0.927124	0.844468	0.864179
۱۶	مشروعیت نظام	0.914967	0.81413	0.843262
۱۷	عوامل تاریخی	0.909547	0.850965	0.770224
۱۸	ویژگی شخصیتی نامزد	0.920784	0.902411	0.565709
۱۹	ویژگی اخلاقی	0.882289	0.799197	0.714499
۲۰	ویژگی مدیریتی	0.892225	0.758444	0.805421

۵) روایی واگرا: روش فورنل و لارکر

میزان رابطه یک سازه با شاخص‌هایش در مقایسه رابطه آن سازه با سایر سازه‌هاست، به‌طوری‌که روایی واگرایی قابل قبول یک مدل حاکی از آن است که یک سازه در مدل تعامل بیشتری با شاخص‌های خود دارد تا با سازه‌ای دیگر.

جدول (۲) روایی واگرا

سازه	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸
۱. عوامل حقوقی	0.7287							
۲. انتظارات انتخاباتی	-0.078	0.94074						
۳. تأثیر از نخبگان سیاسی و دینی	0.0597	-0.0091	0.8671					
۴. ایدئولوژی مذهبی و اقلیت‌ها	0.2248	-0.0188	0.1696	0.9478				
۵. شبکه مجازی	0.482	-0.0677	0.1203	0.1555	0.9262			
۶. تحولات جهانی	0.5949	0.00124	0.0930	0.3117	0.3948	0.8065		
۷. عوامل تاریخی	0.2751	-0.1276	0.1080	0.1835	0.4059	0.2138	0.27515	
۸. ویژگی شخصیتی نامزد	0.6537	-0.106	0.0582	0.1845	0.5636	0.5178	0.2789	0.7521

برازش کلی مدل

برازش کلی مدل شامل هر دو بخش مدل اندازه‌گیری و ساختاری می‌شود و با تأیید برازش آن بررسی برازش در یک مدل کامل می‌شود. برای بررسی برازش مدل کلی تنها از یک معیار به نام برازش کلی مدل^۷ استفاده می‌شود. این معیار از طریق فرمول زیر به دست می‌آید:

$$\sqrt{.7037} \times \sqrt{.5306} = .$$

$$\text{برازش کلی مدل} = \sqrt{\text{communality}} \times \sqrt{R^2}$$

به‌طوری‌که Communalities نشانه میانگین مقادیر اشتراکی هر سازه و R^2 نیز مقدار میانگین مقادیر R Squares سازه‌های درون‌زای مدل است.

جدول (۳) مفروضات برازش کلی مدل

ردیف	متغیر	میانگین واریانس به اشتراک گذاشته شده	R^2
		بزرگ‌تر از ۷/۰	بزرگ‌تر از ۷/۰
۱	مشارکت در انتخابات ریاست جمهوری	0.285204	-
۲	عوامل حقوقی	0.531043	0.540641
۳	قوانین و سنت	0.879782	0.73175
۴	ساده زیستی	0.783115	0.512153
۵	انتظارات انتخاباتی	0.443818	0.778221
۶	توسعه اقتصادی	0.699984	0.822634
۷	توسعه سیاسی	0.676818	0.878981
۸	توسعه اجتماعی	0.697135	0.711169
۹	توسعه فرهنگی	0.610797	0.035018
۱۰	تأثیر از نخبگان سیاسی و دینی	0.752031	0.015849
۱۱	ایدئولوژی مذهبی و اقلیت‌ها	0.898466	0.016894
۱۲	شبکه مجازی	0.857914	0.09602
۱۳	تحولات جهانی	0.650524	0.472116
۱۴	تعهد ملی	0.744866	0.857689
۱۵	سرنوشت خود	0.864179	0.310715
۱۶	مشروعیت نظام	0.843262	0.751914
۱۷	عوامل تاریخی	0.770224	0.203712
۱۸	ویژگی شخصیتی نامزد	0.565709	0.746065

ردیف	متغیر	میانگین واریانس به اشتراک گذاشته شده	R ²
		بزرگتر از ۷/۰	بزرگتر از ۷/۰
۱۹	ویژگی اخلاقی	0.714499	0.797673
۲۰	ویژگی مدیریتی	0.805421	0.802978
	میانگین	۷۰۳۷/۰	۵۳۰۶/۰

وتزلزل و دیگران (۲۰۰۹) سه مقدار ۰/۱، ۰/۲۵، ۰/۳۶ را به عنوان مقادیر ضعیف، متوسط و قوی برای برازش کلی مدل معرفی نموده‌اند (وتزل، ۲۰۰۹)؛ بنابراین حاصل شدن ۰/۶۱۱۰ برای برازش کلی مدل نشان از برازش کلی قوی مدل دارد.

یافته‌های استنباطی

فرضیه اول پژوهش: عوامل حقوقی در میزان مشارکت قوم بلوچ در انتخابات ریاست جمهوری تأثیرگذار است. در بررسی این فرضیه پژوهش وضعیت خود متغیر و ابعاد آن مورد آزمون قرار گرفته است. نتایج آزمون تی تک نمونه‌ای در جدول زیر ارائه شده است. در این آزمون سؤال مطرح شده در مورد میانگین جامعه در سطح خطای α مورد بررسی قرار می‌گیرد. آماره t در این آزمون دارای درجه آزادی $n-1$ بوده و به کمک رابطه زیر محاسبه می‌شود. در این رابطه $\bar{X}$ میانگین نمونه، $S_{\bar{X}}$ خطای معیار $\bar{X}$ بوده که به صورت $S_{\bar{X}} = \frac{S}{\sqrt{n}}$ محاسبه می‌شود.

$$t = \frac{\bar{X} - \mu_0}{S_{\bar{X}}}$$

این آزمون برای متغیرهای کمی به کار می‌رود و در مواردی برای تشخیص تأثیر یا عدم تأثیر یک متغیر (تا) در وضعیت مورد بررسی استفاده می‌شود به طوری که اگر میانگین هر متغیر از حد معینی کمتر بود (در اینجا مقدار ۳/۰۰)، آن متغیر در پدیده مورد نظر مؤثر تلقی می‌شود. برای بررسی عوامل یا متغیرهای مؤثر با این آزمون، فرضیات زیر مطرح می‌گردد (مؤمنی و فعال قیومی، ۱۳۹۱).

$$\begin{cases} H_0: \mu = 3.00 \\ H_1: \mu \neq 3.00 \end{cases}$$

جدول (۴) آزمون تی تک نمونه

متغیر	میانگین	سطح معناداری	مقدار آماره t
عوامل حقوقی	3.5199	.۰۰۱	74.514
تعهد ملی	3.7727	.۰۰۱	68.376
سرنوشت خود	3.8474	.۰۰۱	68.785
مشروعیت نظام	2.8133	.۰۰۸	40.445

همان‌طور که در جدول فوق مشاهده می‌شود میانگین نمره به‌دست‌آمده برای نقش عوامل حقوقی در مشارکت در انتخابات ریاست جمهوری گذشته در شهروندان قوم بلوچ ۳,۵۱۹ است که این مقدار از میانگین فرضی (۳) بالاتر است و با توجه به سطح معناداری (کمتر از ۰/۰۵) می‌توان استنباط کرد که میانگین عوامل حقوقی در مشارکت در انتخابات ریاست جمهوری گذشته در شهروندان قوم بلوچ، بالاتر از حد متوسط است و از میان ابعاد عوامل حقوقی، بعد سرنوشت خود دارای وضعیت بهتری است و عامل مشروعیت نظام به دلیل این‌که میانگینی کمتر از ۳ برخوردار است، این بعد از عوامل حقوقی رد گردیده است و از نظر قوم بلوچ مشارکت آن‌ها در انتخابات ربطی به مشروعیت نظام ندارد و به عبارت دیگر برای مشروعیت نظام در انتخابات شرکت نمی‌کنند.

فرضیه دوم پژوهش: عوامل تاریخی در میزان مشارکت قوم بلوچ در انتخابات ریاست جمهوری تأثیرگذار است.

در بررسی این فرضیه پژوهش وضعیت خود متغیر و ابعاد آن مورد آزمون قرار گرفته است. نتایج آزمون تی تک نمونه‌ای در جدول زیر ارائه شده است.

$$\begin{cases} H_0: \mu = 3.00 \\ H_1: \mu \neq 3.00 \end{cases}$$

جدول (۵) آزمون تی تک نمونه

متغیر	میانگین	سطح معناداری	مقدار آماره t
عوامل تاریخی	۲,۸۱۰۶۱	.۰۰۱	۴۳,۹۰۴

همان‌طور که در جدول فوق مشاهده می‌شود میانگین نمره به‌دست‌آمده برای نقش عوامل تاریخی در مشارکت در انتخابات ریاست جمهوری گذشته در شهروندان قوم بلوچ ۲,۸۱۰

است که این مقدار از میانگین فرضی (۳) کمتر است و با توجه به سطح معناداری (کمتر از ۰/۰۵) می‌توان استنباط کرد که میانگین عوامل تاریخی در مشارکت در انتخابات ریاست جمهوری گذشته در شهروندان قوم بلوچ، کمتر از حد متوسط است و از نظر قوم بلوچ مشارکت آن‌ها در انتخابات ربطی به عوامل تاریخی ندارد.

فرضیه سوم پژوهش: ویژگی‌های شخصیتی نامزد در میزان مشارکت قوم بلوچ در انتخابات ریاست جمهوری تأثیرگذار است.

در بررسی این فرضیه پژوهش وضعیت خود متغیر و ابعاد آن مورد آزمون قرار گرفته است. نتایج آزمون تی تک نمونه‌ای در جدول زیر ارائه شده است.

$$\begin{cases} H_0: \mu = 3.00 \\ H_1: \mu \neq 3.00 \end{cases}$$

جدول (۶) آزمون تی تک نمونه

متغیر	میانگین	سطح معناداری	مقدار آماره t
ویژگی‌های شخصیتی نامزد	3.4293	۰/۰۰۱	74.680
ویژگی اخلاقی	3.3128	۰/۰۰۱	62.048
ویژگی مدیریتی	3.3831	۰/۰۰۱	64.982
پایبندی به قوانین و سنت‌ها	3.5000	۰/۰۰۱	63.807
ساده زیستی	3.5795	۰/۰۰۱	61.793

همان‌طور که در جدول فوق مشاهده می‌شود میانگین نمره به دست آمده برای نقش ویژگی‌های شخصیتی نامزد در مشارکت در انتخابات ریاست جمهوری گذشته در شهروندان قوم بلوچ ۳,۴۲۹ است که این مقدار از میانگین فرضی (۳) بیشتر است و با توجه به سطح معناداری (کمتر از ۰/۰۵) می‌توان استنباط کرد که میانگین ویژگی‌های شخصیتی نامزد در مشارکت در انتخابات ریاست جمهوری گذشته در شهروندان قوم بلوچ، بیشتر از حد متوسط و از نظر قوم بلوچ مشارکت آن‌ها در انتخابات به ویژگی‌های شخصیتی نامزد مرتبط است. از میان ابعاد ویژگی‌های شخصیتی نامزد، بعد ساده زیستی و پایبندی به قوانین و سنت‌ها دارای وضعیت

بهتری می‌باشند و نقش بیشتری در مشارکت شهروندان قوم بلوچ در انتخاب ریاست جمهوری گذشته دارد.

فرضیه چهارم پژوهش: انتظارات انتخاباتی در میزان مشارکت قوم بلوچ در انتخابات ریاست جمهوری تأثیرگذار است.

در بررسی این فرضیه پژوهش وضعیت خود متغیر و ابعاد آن مورد آزمون قرار گرفته است. نتایج آزمون تی تک نمونه‌ای در جدول زیر ارائه شده است.

$$\begin{cases} H_0: \mu = 3.00 \\ H_1: \mu \neq 3.00 \end{cases}$$

جدول (۷) آزمون تی تک نمونه

متغیر	میانگین	سطح معناداری	مقدار آماره t
انتظارات انتخاباتی	3.9450	۰/۰۰۱	108.737
توسعه اقتصادی	3.9554	۰/۰۰۱	80.426
توسعه اجتماعی	3.8431	۰/۰۰۱	78.866
توسعه سیاسی	3.8174	۰/۰۰۱	78.843
توسعه فرهنگی	4.2035	۰/۰۰۱	101.860

همان‌طور که در جدول فوق مشاهده می‌شود میانگین نمره به‌دست‌آمده برای نقش انتظارات انتخاباتی در مشارکت در انتخابات ریاست جمهوری گذشته در شهروندان قوم بلوچ ۳,۹۲۹ است که این مقدار از میانگین فرضی (۳) بیشتر است و با توجه به سطح معناداری (کمتر از ۰/۰۵) می‌توان استنباط کرد که میانگین انتظارات انتخاباتی در مشارکت در انتخابات ریاست جمهوری گذشته در شهروندان قوم بلوچ، بیشتر از حد متوسط است و از نظر قوم بلوچ مشارکت آن‌ها در انتخابات به انتظارات انتخاباتی مرتبط است. از میان ابعاد انتظارات انتخاباتی، بعد توسعه فرهنگی و توسعه اقتصادی دارای وضعیت بهتری می‌باشند و نقش بیشتری در مشارکت شهروندان قوم بلوچ در انتخاب ریاست جمهوری گذشته داشته است.

فرضیه پنجم پژوهش: تأثیر پذیرفتن از نخبگان سیاسی و دینی اقلیت‌ها در میزان مشارکت قوم بلوچ در انتخابات ریاست جمهوری تأثیرگذار است.

در بررسی این فرضیه پژوهش وضعیت خود متغیر و ابعاد آن مورد آزمون قرار گرفته است. نتایج آزمون تی تک نمونه‌ای در جدول زیر ارائه شده است.

$$\begin{cases} H_0: \mu = 3.00 \\ H_1: \mu \neq 3.00 \end{cases}$$

جدول (۸) آزمون تی تک نمونه

متغیر	میانگین	سطح معناداری	مقدار آماره t
تأثیر پذیرفتن از نخبگان سیاسی و دینی اقلیت‌ها	۴,۲۱۷۵	۰/۰۰۱	97.150569

همان‌طور که در جدول فوق مشاهده می‌شود میانگین نمره به دست آمده برای تأثیر پذیرفتن از نخبگان سیاسی و دینی اقلیت‌ها در مشارکت در انتخابات ریاست جمهوری گذشته در شهروندان قوم بلوچ ۴,۲۱۷ است که این مقدار از میانگین فرضی (۳) بیشتر است و با توجه به سطح معناداری (کمتر از ۰/۰۵) می‌توان استنباط کرد که میانگین تأثیر پذیرفتن از نخبگان سیاسی و دینی اقلیت‌ها در مشارکت در انتخابات ریاست جمهوری گذشته در شهروندان قوم بلوچ، بیشتر از حد متوسط است و از نظر قوم بلوچ مشارکت آن‌ها در انتخابات به تأثیر پذیرفتن از نخبگان سیاسی و دینی اقلیت‌ها مرتبط است.

فرضیه ششم پژوهش: قرابت با ایدئولوژی‌های مذهبی اقلیت‌ها در میزان مشارکت قوم بلوچ در انتخابات ریاست جمهوری تأثیرگذار است.

در بررسی این فرضیه پژوهش وضعیت خود متغیر و ابعاد آن مورد آزمون قرار گرفته است. نتایج آزمون تی تک نمونه‌ای در جدول زیر ارائه شده است.

$$\begin{cases} H_0: \mu = 3.00 \\ H_1: \mu \neq 3.00 \end{cases}$$

جدول (۹) آزمون تی تک نمونه

متغیر	میانگین	سطح معناداری	مقدار آماره t
قربان با ایدئولوژی‌های مذهبی اقلیت‌ها	4.43506	.۰۰۱	82.966126

همان‌طور که در جدول فوق مشاهده می‌شود میانگین نمره به‌دست‌آمده برای قربان با ایدئولوژی‌های مذهبی اقلیت‌ها در مشارکت در انتخابات ریاست جمهوری گذشته در شهروندان قوم بلوچ ۴,۴۳۵۰ است که این مقدار از میانگین فرضی (۳) بیشتر است و با توجه به سطح معناداری (کمتر از ۰/۰۵) می‌توان استنباط کرد که میانگین قربان با ایدئولوژی‌های مذهبی اقلیت‌ها در مشارکت در انتخابات ریاست جمهوری گذشته در شهروندان قوم بلوچ، بیشتر از حد متوسط است و از نظر قوم بلوچ مشارکت آن‌ها در انتخابات به قربان با ایدئولوژی‌های مذهبی اقلیت‌ها مرتبط است.

فرضیه هفتم پژوهش: روند تحولات جهانی و منطقه در میزان مشارکت قوم بلوچ در انتخابات ریاست جمهوری تأثیرگذار است.

در بررسی این فرضیه پژوهش وضعیت خود متغیر و ابعاد آن مورد آزمون قرار گرفته است. نتایج آزمون تی تک نمونه‌ای در جدول زیر ارائه شده است.

$$\begin{cases} H_0: \mu = 3.00 \\ H_1: \mu \neq 3.00 \end{cases}$$

جدول (۱۰) آزمون تی تک نمونه

متغیر	میانگین	سطح معناداری	مقدار آماره t
روند تحولات جهانی و منطقه	3.67532	.۰۰۱	82.774

همان‌طور که در جدول فوق مشاهده می‌شود میانگین نمره به‌دست‌آمده برای روند تحولات جهانی و منطقه در مشارکت در انتخابات ریاست جمهوری گذشته در شهروندان قوم بلوچ ۳,۶۷۵۳ است که این مقدار از میانگین فرضی (۳) بیشتر است و با توجه به سطح معناداری (کمتر از ۰/۰۵) می‌توان استنباط کرد که میانگین روند تحولات جهانی و منطقه در مشارکت در انتخابات ریاست جمهوری گذشته در شهروندان قوم بلوچ، بیشتر از حد متوسط

است و از نظر قوم بلوچ مشارکت آن‌ها در انتخابات به روند تحولات جهانی و منطقه مرتبط است.

فرضیه هشتم پژوهش: روند شبکه‌های مجازی در میزان مشارکت قوم بلوچ در انتخابات ریاست جمهوری تأثیرگذار است.

در بررسی این فرضیه پژوهش وضعیت خود متغیر و ابعاد آن مورد آزمون قرار گرفته است. نتایج آزمون تی تک نمونه‌ای در جدول زیر ارائه شده است.

$$\begin{cases} H_0: \mu = 3.00 \\ H_1: \mu \neq 3.00 \end{cases}$$

جدول (۱۱) آزمون تی تک نمونه

متغیر	میانگین	سطح معناداری	مقدار آماره t
روند شبکه‌های مجازی	4.04221	۰/۰۰۱	61.503

همان‌طور که در جدول فوق مشاهده می‌شود میانگین نمره به‌دست‌آمده برای روند شبکه‌های مجازی در مشارکت در انتخابات ریاست جمهوری گذشته در شهروندان قوم بلوچ ۴,۰۴۲۲ است که این مقدار از میانگین فرضی (۳) بیشتر است و با توجه به سطح معناداری (کمتر از ۰/۰۵) می‌توان استنباط کرد که میانگین روند شبکه‌های مجازی در مشارکت در انتخابات ریاست جمهوری گذشته در شهروندان قوم بلوچ، بیشتر از حد متوسط است و از نظر قوم بلوچ مشارکت آن‌ها در انتخابات به روند شبکه‌های مجازی مرتبط است.

آزمون فریدمن

رتبه‌بندی ابعاد مشارکت قوم بلوچ در انتخابات ریاست جمهوری دوره گذشته

H_0 : تفاوت معناداری بین میانگین متغیرهای پژوهش وجود ندارد.

H_1 : تفاوت معناداری بین میانگین متغیرهای پژوهش وجود دارد.

جدول (۱۲) میانگین رتبه‌ها و اولویت‌بندی متغیرهای پژوهش

رتبه	میانگین	مؤلفه
۶	3.80	عوامل حقوقی
۸	2.50	عوامل تاریخی
۷	3.45	ویژگی شخصیتی نامزد
۴	4.98	انتظارات انتخاباتی
۲	5.46	تأثیر از نخبگان سیاسی و دینی اقلیت‌ها
۱	6.28	قربانیت با ایدئولوژی‌های مذهبی اقلیت‌ها
۳	5.35	شبکه‌های مجازی
۵	4.18	روند تحولات جهانی و منطقه

جدول (۱۳) نتیجه حاصل از آزمون تحلیل واریانس فریدمن مربوط به متغیرهای پژوهش

تعداد نمونه	آماره آزمون	درجه آزادی	سطح معناداری
۳۰۸	۵۷۵,۴۷۴	۷	۰/۰۰۱

همان‌طور که در جدول فوق مشاهده می‌گردد، سطح معناداری مربوط به آزمون تجزیه و تحلیل واریانس فریدمن ۰/۰۰۱ است. از آنجایی که از ۰/۰۵ کمتر است بنابراین با اطمینان ۹۵ درصد می‌توان فرض H_0 را رد و فرض H_1 را مبنی بر عدم برابری رتبه میانگین‌ها را پذیرفت و نتیجه گرفت که تفاوت معناداری بین میانگین رتبه‌ای ابعاد مشارکت قوم بلوچ در انتخابات ریاست جمهوری دوره گذشته وجود دارد.

نتیجه‌گیری

در بسیاری از جوامع امروز، مشارکت شهروندان در انتخابات، معیار مشروعیت و مقبولیت آن نظام سیاسی است. مکانیسم رأی‌دهی عملی‌ترین و در دسترس‌ترین راهکار برای شهروندان جهت ابراز نظر بر قدرت سیاسی است که از طریق آن افراد ارجحیت‌های سیاسی و اجتماعی خود را به نظام حاکم اعلام می‌کنند. از همین منظر مقاله حاضر به بررسی عوامل مؤثر بر رفتار رأی‌دهی قوم بلوچ در ایران، در انتخابات دوازدهم ریاست جمهوری پرداخته است. سؤال اصلی پژوهش پیش رو آن بود که تغییر رویکرد قوم بلوچ در انتخابات و فعال شدن آن‌ها در عرصه انتخابات ریاست جمهوری دوره دوازدهم متأثر از چه عواملی بوده

است؟ نگرش قومی و مذهبی درکنش و رفتار سیاسی خاص آن‌ها در انتخابات ریاست جمهوری دوازدهم چه تأثیری داشت؟ که جهت بررسی آن از روش پیمایش بهره گرفته شد. باید گفت که در جمهوری اسلامی ایران بنا بر وجود ساختار و ماهیت متکثر فرهنگی و سیاسی فرآیند انتخابات دستخوش تغییرات غیره قابل پیش‌بینی شده است. وجود برخی اقوام با فرهنگ، مذهب و زبان خاص که از قضا در نواحی مرزی ایران قرار دارند، پیش‌بینی نتایج انتخابات در ایران را با چالش جدی مواجه کرد. قوم بلوچ با اکثریت جمعیتی در استان سیستان و بلوچستان از جمله اقوامی‌اند که در انتخابات متأخر حضور فعال و چشمگیر داشته‌اند. نتایج کلی تحقیق مطابق با فرضیات حاکی از آن است که بر اساس فرضیه اول عوامل حقوقی در مشارکت آن‌ها و ترجیحات سیاسی آن‌ها در گرایش به یک حزب و جریان خاص معنادار بوده است.

بر اساس فرضیه دوم عوامل تاریخی و سابقه گذشته افراد درکنش و الگوی رفتاری قوم بلوچ تأثیرگذار است؛ اما در گرایش سیاسی آن‌ها به یک جناح خاص تأثیرگذاری معناداری نداشته است، چراکه هر دو گفتمان و افراد درونی آن‌ها کسب قدرت را حول و حوش مذهب و ایدئولوژی شیعه در نظر می‌گیرند که تفاوت ماهوی آن‌چنانی باهم ندارند.

فرضیه سوم: بر اساس یافته‌های پژوهش ویژگی‌های شخصیتی نامزد، متغیری تأثیرگذار در گرایش سیاسی و تأیید یا عدم تأیید گفتمان خاص از سوی این قوم داشته است. ویژگی‌های شخصی، خانوادگی، سطح تحصیلات، گرایش سیاسی و مذهبی فرد، از جمله محورهایی هستند که در گزینش کاندیدا و جریان‌ات سیاسی رفتار رأی‌دهی آن‌ها را تحت تأثیر قرار داد. در این دوره گرچه ابراهیم رئیسی در متغیر ساده زیستی و وضع خانوادگی قرابت بیشتری با الگوی رفتاری قوم بلوچ داشت؛ اما حسن روحانی در مجموع شرایط با اتخاذ گفتمان اعتدال، تأکید بر سیاست‌های قومیتی و مذهبی، تأکید بر آزادی اجتماعی و آزادی‌های زبانی و فرهنگ محلی توانست گوی سبقت را در حالت مقایسه‌ای از ابراهیم رئیسی بر باید و قوم بلوچ آن را در مجموع نزدیک‌تر به تحقق مطالبات فردی و اجتماعی خود در نظر بگیرند.

فرضیه چهارم: یکی از متغیرهای اصلی تأثیرگذار بر الگوی رفتارهای جمعی شهروندان، احساس تحقق مطالبات و انتظارات قومی و فردی آن‌هاست که در بازاریابی سیاست دنبال آن هستند تا با غربالگری شعارها و اهداف نامزدها، گزینه مطلوب را انتخاب کنند. در این

زمینه تأکید بیشتر گفتمان اعتدال بر توسعه فرهنگی و سیاسی، نقش مهمی در گرایش حداکثری آن‌ها به گفتمان اعتدال داشته است.

فرضیه پنجم: تأثیرگذاری نخبگان سنتی، مذهبی، افراد تحصیل کرده و بانفوذ یکی دیگر از متغیرهای اصلی است که الگوی کنشگری برخی اقوام در جوامع دارای تکثر و تنوع قومی - مذهبی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. در این قوم نیز شاهدیم که این رویه تأثیرگذاری معناداری داشته است؛ به طوری که با توجه به جایگاه مذهبی و اجتماعی برخی مولوی‌ها، شخصیت‌های سنتی و قبیله‌ای، فرهنگ سیاسی تبعی و کنشگری منفعل در گرایش به یک جریان را در پی داشته است. آن‌ها بر این عقیده‌اند که افراد مذکور مصلحت مطلوب‌تر قوم و مذهب ما را بهتر تشخیص داده‌اند و با توجه به اعتبار اعتمادی که به آن‌ها دارند، نظر سیاسی وی در ارجحیت حزب و تفکر سیاسی را سرلوحه رأی‌دهی خود در انتخابات قرار دادند و با اکثریت مطلق یک جریان، افراد و تفکر خاص را به‌رغم عدم تناسب با بافت و ساخت جامعه، وضعیت معیشتی و فرهنگی جامعه خود ترجیح داده‌اند.

فرضیه ششم: قرابت برنامه‌ها شعارهای انتخاباتی و سیاست‌های اعلامی دولت آینده با ایدئولوژی و مذهب اقوام نقش کلیدی در گرایش به آن گفتمان دارند. از همین جاست که برخی از جریان‌ها و افراد با سیاسی کردن اقوام و دادن وعده‌و وعیدهای مختلف کوشیدند در انتخابات گذشته آن‌ها را به خود جذب کنند. این مقوله هم در الگوی کنشگری قوم بلوچ در رأی‌دهی به حسن روحانی تأثیر مثبت داشته است. وی در جریان شعارهای انتخاباتی خود در استان‌های مختلف صحبت از تعیین وزیر، سفیر، استاندار اهل سنت و انتخاب وزرا از مجموعه اقوام مختلف کشور کرده بود.

فرضیه هفتم: وقوع حوادث و مسائل داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی و اعلام مواضع هرکدام از افراد، جریان‌ها نیز در سنجش رأی‌دهی آن‌ها به گفتمان‌های موجود تأثیرگذار بوده است. وجود مسائل مختلفی چون مسئله قاچاق سوخت، سهمیه‌بندی بنزین، یارانه‌ها، تحریم‌های غربی، انرژی هسته‌ای، گفتمان مقاومت محوری یا تنش‌زدایی در سطح منطقه و جهان، شکل‌گیری گروه‌های تروریستی در خاورمیانه، اختلافات ایدئولوژیکی و منطقه‌ای ایران و عربستان، حمله به سفارت‌خانه‌ها، مسئله قدس، مسئله حج، سرمایه‌گذاری خارجی، ارتباط و گفتگو با اتحادیه اروپا و آمریکا و... از جمله متغیرهایی بودند که در نوع مواجهه با آن‌ها از

سوی هر کدام از جریان‌ها تأثیرگذار بوده است. قوم بلوچ ضمن تأثیرگذاری این مسائل نگاه و رویه، دولت حسن روحانی را مطلوب‌تر تشخیص دادند.

فرضیه هشتم: این دوره از انتخابات همانند انتخابات مجلس دهم شورای اسلامی بیشتر نگاه لیستی و سیاسی مطرح شد. حمایت برخی چهرهای مطرح گفتمان اصلاحات و سازندگی از حسن روحانی و پخش آن‌ها در شبکه‌های مجازی به صورت گسترده و همچنین عملیات روانی اپوزیسیون‌های خارجی نظام در فضای ماهواره در تخریب رقبای حسن روحانی نقش مهمی در پیروزی حسن روحانی در بازی قدرت این دوره انتخابات شد. این مقوله در رأی‌دهی قوم بلوچ و سنجش مطلوب‌تر وی نسبت به رقبا از سوی نخبگان سنی، مذهبی و سیاسی مؤثر بوده است. در همین راستا شاهد پیروزی حسن روحانی در انتخابات دوازدهم ریاست جمهوری بوده‌ایم... با توجه به تحلیل محتوای آثار و مقالات و متن‌هایی که در حوزه رسانه‌های ارتباطی و مجازی منتشر شد، رفتار انتخاباتی قوم بلوچ تحت تأثیر فرهنگ سیاسی تبعیتی در قالب اثرگذاری نهادهای دینی و سنتی، سابقه گذشته افراد و جریان‌های مختلف، به رسمیت شناختن آزادی‌های قومی و مذهبی، تغییر و تحولات منطقه‌ای و جهانی قرار داشته است. لذا آن‌ها با محاسبه عقلانی گفتمان اعتدال را با نگاهی روان‌شناختی، جامعه‌شناختی، سیاسی، اقتصادی، گفتمان مطلوب‌تر برای تحقق مطالبات قومی، مذهبی و اجتماعی خود در نظر گرفتند و به‌رغم مطرح‌شدن گفتمان احیای عدالت اجتماعی و توسعه‌خواهی اجتماعی، اکثریت به گفتمان اعتدال و حسن روحانی رأی داده‌اند.

محدودیت‌ها و پیشنهادها

در این پژوهش ابعاد مشارکت در انتخابات ریاست جمهوری بررسی نشد، لذا پیشنهاد می‌شود برای پژوهش‌های آتی ابعاد مشارکت در انتخابات ریاست جمهوری بررسی شود. از آنجاکه فلسفه مشارکت در انتخابات ریاست جمهوری در قوم بلوچ با قوم‌های دیگر ممکن است متفاوت باشد، پیشنهاد می‌شود این پژوهش در یک یا چند قوم دیگر انجام گیرد یا اینکه پژوهش به صورت هم‌زمان و به صورت تطبیقی در دو یا چند قوم انجام شود. بهتر است پژوهشگران متغیرهای کنترل یعنی سطح تحصیلات، جنسیت و موارد مشابه را بررسی کنند؛ چراکه ممکن است نتایج بر اساس موارد ذکر شده، متفاوت باشد. از آنجایی که در این پژوهش نقش متغیرهای تعدیل‌گر بررسی نشد، پیشنهاد می‌شود پژوهشگران نقش متغیرهای تعدیل

گر مثل سطح درآمد، طایفه‌های مختلف و وضعیت اشتغال را بررسی کنند. روش مورد استفاده در این تحقیق روش کمی است، محققان آتی می‌توانند با استفاده از انواع روش‌های کیفی از جمله مصاحبه به صورت مستقیم، رابطه متغیرهای مطرح شده در این تحقیق را شناسایی کرده و بسنجند و راهکارهایی را ارائه کنند. محدودیت کلی پژوهش حاضر این است که با توجه به اینکه جامعه آماری این تحقیق، شهروندان بلوچ کشورند، می‌باید به تفاوت‌هایی از لحاظ فرهنگی، ساختاری، محیطی آن‌ها توجه کرد؛ بنابراین، تعمیم آن به سایر اقوام به سادگی امکان‌پذیر نیست. از آنجاکه ابزار گردآوری داده‌ها پرسشنامه بوده است، ماهیت خودارزیابی شهروندان ممکن است گرایش به تظاهر در پاسخ به سؤالات پژوهش را ایجاد کند و نتایج پژوهش را تحت تأثیر قرار دهد. دشواری در برقراری ارتباط با پاسخ‌دهندگان به دلیل عدم شناخت و اعتماد دهی به آنان در مورد افشا نشدن پاسخ‌هایشان نیز محدودیت دیگر این پژوهش بوده است.

کتاب‌نامه

الف: کتاب‌ها

۱. اسمیت، آنتونی دی (۱۳۸۳)، ناسیونالیسم (نظریه، ایدئولوژی، تاریخ)، ترجمه منصور انصاری، تهران: مطالعات ملی.
۲. آلموند، گابریل و جی بینگهام پاول جویونور، رابرت جی مونت (۱۳۸۱)، چارچوبی نظری برای بررسی سیاست مقایسه‌ای: تهران: مرکز آموزش مدیریت دولتی.
۳. اوزکریملی، اموت (۱۳۸۳)، نظریه‌های ناسیونالیسم، ترجمه محمدعلی قاسمی، تهران: مؤسسه مطالعات ملی.
۴. اینگلهارت، رونالد. (۱۳۷۳)، تحول فرهنگی در جامعه پیشرفته صنعتی، ترجمه مریم وتر، تهران: انتشارات کویر.
۵. ایوبی، حجت‌الله (۱۳۷۷)، «مشارکت انتخاباتی»، مشارکت سیاسی» (مجموعه مقالات)، تهران: سفیر.
۶. برتون، رولان (۱۳۸۰)، قوم‌شناسی سیاسی، ترجمه ناصر فکوهی، تهران: نشر نی.
۷. بشیریه، حسین (۱۳۸۵)، آموزش دانش سیاسی، مبانی علم سیاست نظری و تأسیسی، تهران: نگاه معاصر.
۸. بنی‌هاشمی، میر قاسم (۱۳۹۶)، انتخابات ثبات سیاسی و امنیت ملی، چاپ دوم، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۹. بودن، ریمون، بوریکو، فرانسوا (۱۳۸۵)، فرهنگ جامعه‌شناسی انتقادی، ترجمه عبدالحسین نیک گهر، تهران: نشر فرهنگ معاصر.
۱۰. پالمر، موتی، لاری اشترن و چالز گایل (۱۳۷۲)، نگرشی جدید به علم سیاست، ترجمه منوچهر شجاعی، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه.
۱۱. جمیل میلانی و جواد کرمی (۱۳۹۶)، اقتصاد سیاسی انتخابات: نگاهی به انتخابات دهم ریاست جمهوری از منظر اقتصاد سیاسی»، تهران: دستان.

۱۲. جنکینز، ریچارد (۱۳۸۱)، *هویت اجتماعی*، ترجمه تورج یاراحمدی، تهران: انتشارات شیرازه.
۱۳. چارلز، اف، آندرین (بی‌تا)، *زندگی سیاسی و تحولات اجتماعی: مقدمه‌ای بر علم سیاست*، ترجمه مهدی نقوی، تهران: مؤسسه عالی علوم سیاسی و امور حزبی
۱۴. حاجیانی، ابراهیم (۱۳۸۸)، *جامعه‌شناسی هویت ایرانی*، تهران: پژوهشکده تحقیقات استراتژیک.
۱۵. دارابی، علی (۱۳۸۸)، *رفتار انتخاباتی در ایران: الگوها و نظریه‌ها*، چاپ اول، تهران: انتشارات سروش.
۱۶. داوری، علی؛ رضازاده، آرش (۱۳۹۲)، *مدل‌سازی معادلات ساختاری با نرم‌افزار PLS*. تهران: سازمان انتشارات جهاد دانشگاهی.
۱۷. ریتز، جرج (۱۳۷۴)، *نظریه‌های جامعه‌شناسی در دوران معاصر*، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: انتشارات علمی.
۱۸. عبدالله، عبدالمطلب (۱۳۹۱)، *تحلیل رفتار رأی‌دهی در ایران: مطالعه موردی شهروندان تهرانی در انتخابات ۸۷ - ۸۸*، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق.
۱۹. فلاحي، کیومرث (۱۳۹۴)، *رفتارشناسی ایرانیان*، چاپ پنجم، تهران: انتشارات مهکام.
۲۰. فی، برایان (۱۳۸۱)، *فلسفه امروزی علوم اجتماعی با نگرشی چند فرهنگی*، ترجمه خشایار دیهیمی، تهران: طرح نو.
۲۱. قهرمان‌پور، رحمان (۱۳۹۴)، *بازی انتخابات ریاست جمهوری در ایران*، تهران، انتشارات تیسرا.
۲۲. قوام، سید عبدالعلی (۱۳۹۰)، *سیاست‌شناسی*، تهران: انتشارات سمت.
۲۳. کاستلز، مانوئل (۱۳۸۰)، *عصر اطلاعات*، (جلد دوم قدرت هویت)، ترجمه علی پایا، تهران: طرح نو.

۲۴. کاواناک، دنیس (۱۳۷۹)، مبارزه انتخاباتی، بازاریابی نوین سیاست، ترجمه علی‌اکبر عسگری تلاوت، تهران: نشر سروش.
۲۵. کریمی مله، علی (۱۳۹۰)، درآمدی بر جامعه‌شناسی سیاسی تنوع قومی، تهران: سمت.
۲۶. گودرزی، حسین (۱۳۸۴)، جامعه‌شناسی هویت در ایران، تهران: مؤسسه مطالعات ملی.
۲۷. گیدنز، آنتونی (۱۳۷۳)، جامعه‌شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: انتشارات نی.
۲۸. لازارسفیلد، پل فیلیکس، برنارد برلسون و هاتسل گودت (۱۳۸۲)، انتخاب مردم: چگونه مردم در انتخابات ریاست جمهوری تصمیم می‌گیرند، ترجمه محمدرضا رستمی، تهران: تبلور.
۲۹. لوسین پای و دیگران (۱۳۸۰)، بحران و توالی‌ها در توسعه سیاسی، ترجمه غلامرضا خواجه سروی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۳۰. لیپست، سیمورمارتین (۱۳۸۳)، دایرةالمعارف دموکراسی (ج ۱)، جمعی از مترجمین، تهران: دفتر مطالعات سیاسی بین‌المللی.
۳۱. مارش، دیوید، استوکر، جری (۱۳۹۰)، روش و نظریه در علوم سیاسی، ترجمه امیرمحمد حاج یوسفی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۳۲. محمدی اصل، عباس (۱۳۹۳)، جامعه‌شناسی انتخابات، رشت: انتشارات حق‌شناس.
۳۳. معینی علمداری، جهانگیر (۱۳۸۵)، روش‌شناسی نظری‌های جدید در سیاست، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۳۴. مقصودی، مجتبی (۱۳۸۰)، تحولات قومی در ایران؛ علل و زمینه‌ها، تهران: مؤسسه مطالعات ملی.

۳۵. نش، کیت (۱۳۸۷)، جامعه‌شناسی سیاسی معاصر: جهانی‌شدن، سیاست و قدرت، ترجمه محمدتقی دلفروز، تهران: نشر کویر.

۳۶. های، کالین (۱۳۹۰)، درآمدی انتقادی بر تحلیل سیاسی، ترجمه احمد گل محمدی، تهران: نشر نی.

۳۷. هوتون، دیوید پاتریک (۱۳۹۳)، روان‌شناسی سیاسی؛ وضعیت‌ها، اشخاص و قضایا، ترجمه سعید عبدالملکی، تهران: نشر دانش.

ب) مقالات

۱. احمدلو، حبیب، افروغ عماد (۱۳۸۱)، «رابطه هویت ملی و هویت قومی در بین جوانان تبریز»، فصلنامه مطالعات ملی، سال چهارم، شماره ۱۳: ۱۰۹ - ۱۴۳.

۲. اصول و برنامه کلی دولت یازدهم (۱۳۹۲)، خبرگزاری خانه ملت، ۱۴/۵/۱۳۹۲، قابل دسترسی در: www.icana.ir، تاریخ مشاهده: ۱۸/۱۰/۱۳۹۴.

۳. اکبری، حسین، فخاری، روح‌الله (۱۳۹۶)، «نقش قومیت در رفتار انتخاباتی اجتماعات چند قومیتی (مورد مطالعه: شهرستان بجنورد)»، جامعه‌شناسی کاربردی: شماره ۲: ۷۱ - ۹۰.

۴. ایوبی، حجت‌الله (۱۳۷۷)، «سیر تحول نظریه‌ها در مطالعات احزاب سیاسی: چهار دیدگاه در جامعه‌شناسی احزاب»، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۱۲۸-۱۲۷.

۵. پرچی، داوود (۱۳۸۶)، «بررسی مشارکت مردم در نهمین انتخابات ریاست جمهوری»، فصلنامه پژوهشنامه علوم انسانی، شماره ۳۵: ۳۸ - ۸۴.

۶. پیشگاهی فرد، زهرا (۱۳۸۵)، «چالش‌های جامعه ایران از منظر جغرافیای سیاسی»، پژوهش‌های جغرافیایی، شماره ۵۷: ۱ - ۱۳.

۷. جعفر زاده پور، فروزنده، حیدری، حسین (۱۳۹۳)، «فرا تحلیل رابطه هویت قومی و هویت ملی در ایران» فصلنامه راهبرد فرهنگی اجتماعی، سال سوم، شماره ۱۵: ۶۳ - ۹۶.

۸. حاج یوسفی، امیرمحمد (۱۳۸۴)، «گونه‌شناسی روش‌های مطالعه جامعه‌شناسی سیاسی ایران» پژوهشنامه علوم سیاسی، دوره ۱، شماره: ۹۷ - ۱۱۷.
۹. حافظ‌نیا، محمدرضا، کاویانی راد، مراد (۱۳۸۵)، «نقش هویت قومی در همبستگی ملی قوم بلوچ» مجله پژوهش علوم انسانی دانشگاه اصفهان، دوره ۲۰ شماره ۱: ۱۵ - ۴۶.
۱۰. داور پناه، محمدرضا، سالاری، محمود (۱۳۹۰)، «نظریه اجتماعی و محیط استفاده از اطلاعات: نقش ساختار و کنش در شکل‌گیری رفتار و الگوی اطلاع‌یابی»، پژوهشنامه کتابداری و اطلاع‌رسانی، دوره ۱، شماره ۱: ۷ - ۲۱.
۱۱. دهقانی فیروزآبادی، سید جلال (۱۳۹۳)، گفتمان اعتدال در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه سیاست خارجی، شماره: ۱ - ۴۰.
۱۲. رضایی، علیرضا، ترابی، قاسم (۱۳۹۲)، «سیاست خارجی دولت روحانی، تعامل سازنده در چارچوب دولت توسعه‌گرا»، فصلنامه تحقیقات بین‌الملل دانشگاه آزاد شهرضا، شماره ۱۵: ۱۳۱ - ۱۶۱.
۱۳. رضوانی، محسن (۱۳۸۶)، «تحلیل رفتار انتخاباتی؛ مورد شناسی انتخابات نهم ریاست»، مجله معرفت، شماره ۱۳۳: ۱۴۹ - ۱۶۶.
۱۴. زائرکعبه، رحیم، قریشی، فردین و محمدباقر علیزاده اقدم (۱۳۹۶)، «زمینه‌های جامعه‌شناختی تکوین گفتمان‌های عدالت اجتماعی در ایران: مطالعه موردی دولت‌های پس از انقلاب اسلامی»، پژوهش‌های جامعه‌شناسی سیاسی جهان اسلام، دوره ۵، شماره ۱۱: ۹۳ - ۱۲۲.
۱۵. صادقی جقه، سعید (۱۳۹۴)، «بررسی عوامل مؤثر در رفتار انتخاباتی ایرانیان»، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال هیجدهم، شماره سوم.
۱۶. صفر شالی، رضا (۱۳۹۴)، «بررسی رفتار رأی‌دهی ایرانیان در انتخابات مجلس شورای اسلامی» فصلنامه مطالعات راهبردی، سال هیجدهم، شماره سوم: ۱۲۰ - ۱۳۸.

۱۷. ضرغامی، برزین، انصاری زاده، سلان (۱۳۹۱)، «تحلیل فرصت‌ها و تهدیدهای ژئوپلیتیکی قوم بلوچ از دیدگاه نظریه شکاف‌های سیاسی - اجتماعی»، **فصلنامه پژوهش‌های جغرافیای انسانی**، شماره ۳: ۹۵ - ۱۱۰
۱۸. عالم، عبدالرحمن، انصافی، مجتبی (۱۳۹۷)، «بازشناسانی گذار از ساختارگرایی به پساختارگرایی»، **فصلنامه سیاست**، دوره ۴۸، شماره ۱: ۵۹ - ۷۶.
۱۹. عباس صالحی نجف‌آبادی (۱۳۹۴)، «تجزیه و تحلیل انتخابات ریاست جمهوری در ایران: علل ناکارآمدی روش‌های اثبات‌گرایانه»، **مجله علوم سیاسی دانشگاه آزاد کرج**، شماره ۳۲: ۸۳ - ۱۱۵.
۲۰. عبدالله، عبدالمطلب (۱۳۸۸)، «سیری در نظریه‌های رفتار رأی‌دهی»، **فصلنامه خط اول**، رهیافت انقلاب اسلامی، سال سوم، شماره ۸.
۲۱. فریدون، حسن، سید عبدالعلی قوام (۱۳۹۷) «عوامل مؤثر بر گفتمان اعتدال در سیاست‌گذاری عمومی؛ مطالعه موردی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران مبتنی بر پیش نظریه جیمز روزنا»، **فصلنامه سیاست‌گذاری عمومی**، دوره ۴، شماره ۱: ۱۷۰ - ۱۹۱.
۲۲. قیصری، نورالله، جهانگیری، کیومرث و فاطمه قنائی (۱۳۹۶)، «انتخابات ریاست جمهوری؛ مدلی نظری برای تبیین پیروزی یک کاندیدا بر سایر رقبا» **پژوهش‌های راهبردی سیاست**، شماره ۲۱: ۴۱ - ۷۱.
۲۳. کلاتری، صمد (۱۳۸۰)، «تحلیل رفتار انتخاباتی مردم ایران در هفتمین و هشتمین انتخابات ریاست جمهوری»، **اطلاعات سیاسی و اقتصادی**، شماره ۱۶۷ و ۱۶۸: ۱۶۶ تا ۱۱۷.
۲۴. مجیدی، حسن، مهدی رحیمی نیا (۱۳۹۷)، «تحلیل گفتمان اعتدال در انتخابات ریاست جمهوری یازدهم»، **فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست**، دوره ۷، شماره ۲۵: ۱۲۵ - ۱۵۵.

۲۵. نائیجی، مختار، الهوردی زاده، رضا، عنایتی شبکلائی، علی (۱۳۹۳)، «بررسی نقش سرمایه اجتماعی بر رفتار انتخاباتی (مطالعه مورد بلوچ و ترکمن)» فصلنامه مطالعات انتخابات، شماره ۷ و ۸، ۷۷ - ۱۰۴.

۲۶. یزدانی نسب، محمد (۱۳۹۴)، «بررسی انتقادی تئوری نخبگان در علوم اجتماعی و مفهوم‌پردازی مجدد آن با تأکید بر ساختار»، مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره شانزدهم، شماره ۴، زمستان ۱۳۹۴، ص ۱۱۳ - ۹۳.

منابع لاتین

1. Henseler, J. R. (2009). The use of partial least squares path modeling in international marketing. *Advances in International Marketing*, 277 - 319.
2. Nicole Martin (2012) Do ethnic minority candidates mobilise ethnic minority voters? Evidence from the 2010 General Election (Draft), Paper prepared for the EPOP (Elections, Public Opinion and Parties) Conference 7-9 th September 2012, University of Oxford.
3. R. Jackson & D. Jackson, (1993) *Contemporary Government and Politics*, Prentice Hall Canada,
4. Stéphane A. Dudoignon (2018), *The Baluch, Sunnism and the State in Iran: From Tribal to Global*, Publisher: Oxford University Press
5. V.O. Key (1966) *The Responsible Electorate*, Cambridge: The Belknap Press
6. Vinzi, V. E., Chin, W. W., Henseler, J., Wang, H. (Eds.), (2010). *Handbook of Partial Least Squares: Concepts, Methods, and Applications. Vol. II of Computational Statistics*. Springer, Heidelberg, Dordrecht, London, New York.
7. Wetzels, M., Odekerken-Schröder, G., & Van Oppen, C. (2009). Using PLS path modeling for assessing hierarchical construct models: Guidelines and empirical illustration. *MIS quarterly*, 177-195.
۸. Wu, W. W. (2010). Linking Bayesian networks and PLS path modeling for causal analysis. *Expert Systems with Applications*, 37(1), 134-139.

¹. Conceptual model

². Wen wu

³. PLS (Partial Least Square)

⁴. Rivard and Huff

⁵. Convergent validity

⁶. Divergent Validity

⁷. Goodness Of Fit